

تشکیل جبهه ضد امپریالیستی با کشورهای عضو جبهه پایداری از خواسته‌های مبرم روز است

خطر تجاوز نظامی مستقیم امپریالیسم امریکا علیه ایران از مرحله اخطار، تهدید و تحریکات و توطئه‌های رنگارنگ فراتر رفته و اینک به واقعیتی تبدیل گشته، که سخنگویان جدید کاخ سفید حتی از اعلام جزئیات برنامه چنین تجاوزی ابا ندارند. سخنگوی رسمی و مشاور سرنگان، رئیس‌جمهور جدید امریکا، اعلام میکند:

«ریگان باید بلافاصله پس از اشغال مقام ریاست جمهوری به ایران اوتوماتوم بدهد و از ایران بخواهد در ظرف پنج روز گروگانها را آزاد کند. در غیر این صورت ما پس از بحث و مذاکره در کنگره به ایران اعلان جنگ میدهم».

دستگاه عظیم تبلیغاتی امریکا بکار افتاده است، تا افکار مردم امریکا و جهان را برای تجاوز نظامی علیه ایران آماده کند و تصمیم دولت امریکا را برای چنین تجاوزی ناگزیر و موجه وانمود سازد. از سوی دیگر، محافل جنگ‌طلب امریکا، یاروی کار آمدن ریگان به تحقق طرحهای تجاوزی علیه ایران امیدوارتر شده‌اند و اصرار می‌ورزند که دولت ریگان به ایران اعلان جنگ دهد و به عملیات نظامی علیه ایران دست زند. بقیه در صفحه ۲

نبرد با اشغالگران به شدت ادامه دارد

جنايات تجاوزگران صدامي عليه اهالي غير نظامي در گيلانغرب

تعدادی تانک و انبار مهمات دشمن در جبهه‌های جنوب و غرب منهدم شد.

رزمندگان انقلاب همچنان مسمانه در سنگرهای نبرد با متجاوزین صدامی، دشمن رازیر ضربات خود گرفته‌اند. در ۲ روز گذشته نیز، ضربات مهلکی بر لشکریان متجاوز صدام وارد شد.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۷۶ خود، عملیات نیروهای مسلح انقلاب در روزهای گذشته را بدین شرح اعلام کرده است: بقیه در صفحه ۲

نامه

مردم

ازگان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۲۲
یکشنبه ۲۸ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۱ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

در ادامه تدارکات برای حمله نظامی به ایران:

آمریکا به نیروهای واکنش سریع در مصر و اسرائیل آماده باش داد

آمریکا از کشورهای «ناتو» خواست که نیروهای مسلح خود را بحال آماده باش دریاورند.
کیسینجر در قاهره یا اویسی در پاریس سرنگونی جمهوری اسلامی ایران گفتگو کرد.

آمریکا با دادن آماده باش بواحدهای نیروهای واکنش سریع در مصر و اسرائیل، برای مداخله نظامی در ایران آماده شده است. همزمان با این آماده باش، که بدنبال تدارکات وسیع نظامی در خلیج فارس انجام میشود، واشنگتن از کشورهای عضو «ناتو» نیز خواسته است که نیروهای مسلح خود را بحال آماده باش دریاورند.
به گزارش خیرگزاری هند، واشنگتن برای تجاوز مسلحانه به ایران تدارک مریبند. گزارشهایی که از لندن به هند رسیده، حاکی از تهیه مقدمات مداخله مسلحانه امریکا در ایران است. در محافل نظامی پایتخت انگلستان، آشکارا از انتقال واحدهای بزرگ چترپاز و دیگر واحدهای نیروی هوایی امریکا به پایگاه جمهوری فدرال آلمان، اسپانیا، ترکیه و پایگاهها انگلستان در قبرس صحبت میشود.
منابع دیپلماتیک کشورهای خاور نزدیک گزارش می‌دهند که عملیات مداخله گرانه جدید از پایگاههای نظامی مصر، پاکستان و عمان انجام خواهد شد. خیرگزاری اطلاعاتی هند اضافه می‌کند که با احتمال قوی، تفنگداران دریایی امریکا در بندرعباس پیاده میشوند.
روزنامه الشعب، چاپ بیروت، در شماره پرپرور خود نوشت:

«هدف عمده بازديد اخير کيسينجر، وزير اسبق امور خارجه آمریکا، از اسرائيل، عربستان سعودي، مصر، عمان و سومالي، آگاه و آماده کردن دست نشاندگان آمریکا در منطقه عربي خاورميانه از امکان حمله مستقيم نظامی به ایران بود که می‌تواند بزودی انجام شود».
به گزارش همین روزنامه، کیسینجر، که در قاهره با اویسی، درباره مراحل تدارک مقدمات سرنگونی ساختن جمهوری اسلامی ایران بحث و گفتگو کرده است، در دیدار با ژنرال ایقان، رئیس ستاد کل اسرائیل، صریحا اعلام کرد که اگر ایران خواسته‌های امریکا را در مورد آزادی «گروگانها» اجرا نکند، امریکا به نیروی نظامی متوسل خواهد شد. کیسینجر در همین دیدار گفت که، نیروهای امریکا در صورت لزوم به مصر و اسرائیل منتقل میشوند.
نامه «فرد» - امپریالیسم امریکا همچنان جنگ و دندان نشان می‌دهد و برای حمله به میهن انقلابی ما آماده میشود. باید هشیار بود و خلق را برای مقابله با دشمن از هر باره بسیج کرد. در مقابل خلق متحد و یکپارچه ایران، زیر رهبری امام خمینی، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند!

لیبرال‌ها و مسئله تسخیر انقلابی جاسوسخانه امریکا

به «کلوخ» اندازی کردند، که بالطبع مستحق یاداش «سنگ» اند. عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و افشاگرهای آنان همراه با اسناد و مدارک بدست آمده از این لانه شیطان، به مال محروم جهان نشان داد که هر کجا «سفارتخانه» امریکا مستقر است، جاسوسخانه‌ای به زیان منافع مردم آن سرزمین تمهیه شده است. این اقدام قهرمانانه دانشجویان به ملل مستضعف جهان بار دیگر اثبات نمود که امریکا، علیرغم قدرت شیطانی و ماهیت جنمی‌اش، مغلوب اراده ملت‌هاست و هیچ غلطی نمیتواند بکند. این عمل انقلابی، که بار دیگر به ملل محروم جهان امید پیروزی بخشید و اعتماد بخود را در آنان تقویت کرد، استوار بر این ادله خارا تین بود که امام خمینی گفتند:

بیترومیرسد که مسئله گروگانها به پایان خود نزدیک میشود. بدین مناسبت مقید است که موضع لیبرالها را درباره تسخیر لانه جاسوسی امریکا و «گروگانگیری» جاسوسان امریکائی بیاد بیاوریم.
در زیر نموداری از مواضع لیبرالها را در این زمینه یادآوری می‌کنیم. در آینده بتفصیل مواضع لیبرالها را در این زمینه نشان خواهیم داد.

تسخیر انقلابی جاسوسخانه امریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که منجر به «گروگان» گرفتن جاسوسان امریکائی شد، امواج نفرت توده‌های مردم کشور ما را از این امپریالیسم هار و مکار و متجاوز و سلطه‌گر، بلندتر و نیرومندتر بر دیوارهای کاخ سفید کوبید.
امام خمینی اقدام دلدارانه دانشجویان را تایید کردند، امریکا را «شیطان بزرگ» و «دشمن اصلی» خواندند و از مردم خواستند که همه فریادهای خود را بر سر امریکا بکشند و تمام سلاحهای خود را به سوی امریکا تشنه روند. امام خمینی در ارزیابی صل دانشجویان مسلمان گفتند:

لیبرال‌ها، از اینم فراتر رفتند و دانشجویان را «تر خط شیطان»، «خودکامه» و «دوتی در داخل دولت» نامیدند، آنانرا متهم به اتخاذ شیوه‌های «ماکیاولیستی» کردند و برای

در صفحات بعد

چهره تجاوزکار امپریالیسم امریکا در السالوادور آشکارتر میشود

کارنامه ۱۸ ماهه سیاست خارجی لیبرال‌ها (۳)

توطئه اخراج کارگران را باید خنثی کرد

صفحه ۸
صفحه ۲
صفحه ۴

«دانشجویان مسلمان مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند، با عمل انقلابی خودشان ضربه‌ای بزرگ بر یکپارچه‌سازی جهان‌آوار وارد آوردند و ملت را سرفراز کردند».
لیبرال‌ها در مخالفت با این ارزیابی انقلابی از عمل «گروگان» گیری، جاسوسان، اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را «فلسفی موازین بین‌المللی» خواندند و در شرایطی که امام خمینی آنرا «خواست ملت» می‌نامیدند، لیبرالها آنرا «خواست گروهی» و وسیله تسویه حسابهای شخصی نامیدند آنها نوشتند: «خوب اینها تمایلات گروهی داشتند و گروگانگیری وسیله‌ای برای یغی تسویه حسابهای گروهی شد».

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

هشدار سازمان حزب توده ایران در مهاباد:

باند های ضد انقلاب کردستان فعالیت خود را تشدید کرده اند

سازمان حزب توده ایران در مهاباد با انتشار اعلامیه ای، ضمن اشاره به توطئه ها و زمینه سازی های ضد انقلاب، گروهک های مائوئیستی و لیبرالها در نقاط مختلف کردستان، به منظور ایجاد محیط مناسب برای اجرای توطئه امپریالیسم آمریکا، از همه مردم کردستان خواست تا به مقابله با این توطئه ها برخیزند و آنها در نطفه سرکوب کنند. اعلامیه، که روز ۱۲ دیماه ۵۹ منتشر شده، به شرح زیر است: «با شکست مقتضیانه تجاوز نظامی رژیم جنایتکار پشمارا، که به تحریک امپریالیسم آمریکا و با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، امپریالیسم آمریکا تمام نیروهای چپمی خود را برای وارد آوردن ضربتی مهلک تر بر بیکر انقلاب ایران بسیج کرده و توطئه های خطرناک و گسترده تر از توطئه های پیشین را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده است. امپریالیسم آمریکا در اجرای توطئه جدید خود، مسئله مداخله نظامی مستقیم و همچنین تجزیه ایران و ایجاد کشورهای جدیدی مانند «بلوچستان»، «کردستان» و «عربستان» را در دستور روز قرار داده است. تشدید تدارکات نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه، طرح ادعای ارضی نسبت به سه جزیره ایرانی در خلیج فارس از جانب محافل امپریالیستی، رد پیشنهادهای ایران برای آزاد کردن «گروگانهای» جاسوس، گسترش دامنه تبلیغات علیه رهبری انقلاب و روحانیت مبارز بیرو خط امام و سایر نیروهای انقلابی، تلاش برای ایجاد جدائی و کشمکش میان مسئولان دولتی، ایجاد تشنج و درگیری در برخی از شهرهای کشورمان و غوغا و جنجال «آزادیخواهی» لیبرالها، گوشه هایی از زمینه سازی دشمنان انقلاب و عناصر سازشکار و لیبرال برای اجرای توطئه جدید امپریالیسم آمریکاست.

باند های ضد انقلابی و جنگ افروز در کردستان، در همکاری خائنه با توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، سخت به تلاش افتاده و در تدارک حمله ای گسترده، با هدف به اصطلاح «آزاد کردن کردستان» هستند. دارو دسته قاسملو در آخرین نشست خود در آبانماه، نقشه گسترش حملات خود را به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و کردستان اعلام کرده است. تشدید حملات باند قاسملو و دیگر گروه های ضد انقلابی به نیروهای نظامی و شهرهای آزادی بجایی نشین، از جمله میانه و آب، شهادت یک عضو هیئت واگذاری زمین و سرپرست جهاد سازندگی در بیجار، به تشنج کشاندن مدارس در سقز و یاق و همزمان با این رویدادها، حمله مزدوران یعنی عراق، به میروان، با همین هدف و در چارچوب توطئه جدید امپریالیسم آمریکا انجام می گیرد.

خلق قهرمان کرد! انقلاب ایران لحظات سرنوشت سازی را از سر می گذراند. مین انقلابی ما درگیر یکبارگی همه جانبه با امپریالیسم آمریکا، این دشمن غدار خلقهای جهان و ایران است. ضد انقلاب، مائوئیستهای خائن، لیبرالها و ضد انقلابیون و جنگ افروزان در کردستان - همه و

لیبرال ها...

بقیه از صفحه ۱

لیبرالها «احساسات عمومی جهان» همان دولتهای امپریالیستی هستند که چشم دیدن انقلاب ایران را ندارند، زیرا این انقلاب، کل منافع ملی و حیاتی آنها را در منطقه به خطر افکنده است؛ همان دولتهای ارتجاعی دنیا هستند که انقلاب ایران را زنگ خطر میدانند؛ همان دیکتاتورها، حکام و امیران دست نشانده منطقه هستند، که انقلاب ایران و سرنوشت محمد رضا خواب از چشمان روبروده و رویه های پلاستیکی شان را آشفته ساخته است.

زمانی که امام خمینی، اشغال جاسوسخانه را «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول» خواندند، لیبرالها، آنها اقدامی انحرافی ارزیابی کردند و گفتند: «گروگان گرفتن؟ کامریکی... مبارزه اصولی و برامانی را که علیه امپریالیسم بورژوازی میشد، به انحراف کشید»

در حالیکه مردم از لیبرالها، نه تنها مبارزه ای علیه امپریالیسم ندیدند، که به انحراف کشیده شود، بلکه انحرافات دیدند که مبارزه مردم را علیه امپریالیسم خنثی سازد. سرانجام آن زمان فرارسید که امپریالیسم آمریکا میبایست با پذیرش شرایط مجلس شورای اسلامی ایران، جاسوسان خود را

تحویل بکریه، اما لیبرالها که از آغاز مخالف «گروگانگیری» و نگاهداری «گروگان های» جاسوس بودند، ناگهان طرفدار ادامه حفظ «گروگانها» شدند و به قنان درآمدند که، زمان زحمتی «گروگانها» مناسب نیست، آنها نوشتند:

«در بدترین شرایط سیاسی ممکن خواسته اند مسئله را حل کنند». آنها حتی با شرایط مجلس شورای اسلامی هم مخالفت کردند و آنرا متضمن تامین منافع ایران ندانستند؛ آنها گفتند: «چهار شرط مجلس نه تنها منافع از دست رفته ما را تامین نمیکند، بلکه ضررهای درسی خواهد داشت»!

لیبرالها، همچنانکه در دوران دولت موقت، در سرپای وجود امپریالیسم آمریکا، عیب و نقصی نمیدیدند و با دشمن اصلی مردم ایران خواهان ملاقات و مذاکره و «حل» مسائل قیامین بودند، در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هم آنها انتخاباتی «آزاد»، مبتنی بر «آراء آزاد مردم» قلمداد کردند و آن عامل موثر و قاطعی را که سرنخ روسای

جمهور آمریکا را در دست دارد و آورنده و برنده نیکون ها، جانسون ها، کارترها و ریگان ها است و زیاد بردند و شکست کارتر و بیروزی ریگان را نتیجه «آزاد» مردم آمریکا دانستند و همه کاسه کوزه ها را بر سر «گروگان گیری» شکستند. آنها گفتند:

«با گروگانگیری، آن صدای اعتراضی در آمریکا که با مخالفت با جنگ ویتنام و وا ترگیت و غیره بفرز آمده بود، فروکشید گرفت... مردم دنبال فردی رفتند که آنها نوبت پیروزی به کسانی رانده که از آنان «سیر» گرفته بودند».

آنها از این بازی دموکراسی دروغین غربی، که خود حامی و مبلغ و مرجع آنند، غافل ماندند که تعیین کننده سیاست در آمریکا انحصارات هستند و کارترها و ریگانها تبار و سلسله های پیش منحنه اند. آنها که گویی شکست کارتر آتش بیجانان افکنده از سرغیظ اقدام مجلس شورای اسلامی را «فوشداری» پس از مرگ سهراب خواندند و نوشتند:

«آقایانی که مبارزه با امپریالیسم را در شعار برداشتی و پرچم سوزی و نظایر آن درک

همه در کار تدارک توطئه جدید امپریالیسم آمریکا برای وارد آوردن ضربتی نهائی بر بیکر انقلابان هستند. دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در شرایط تاریخی ساز گزینی وظیفه هر ایرانی میهن دوست و هر کرد آزاده ای است. خلق کرد، که همواره بیشترین ظلمها را از رژیم شاه جنایت پیشه و اربابش امپریالیسم آمریکا متحمل شده و مورد وحشیانه ترین شیوه های فشار و سرکوب و ستم ملی و طبقاتی قرار گرفته، باید به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برخیزد، توطئه های دشمنان انقلاب و مزدوران صدامی را افشا و سرکوب نماید، جیره خواران ناتو و رژیم جنایتکار عراق را قاطعانه از صفوف خود براند و مانع از تکرار تجربه تلخ کردستان عراق در ایران شود.

دفاع و حفظ و حراست از جمهوری اسلامی ایران در برابر امپریالیسم آمریکا، یگانه راه و مطمئن ترین راه برای دستیابی به حقوق حقه خلق کرد است، که امام خمینی، در پیام تاریخی خویش، احقاق آن را نوبت می دهند. ما به مردم انقلابی کرد هشدار میدهم و خلق قهرمان کرد را فرا میخوانیم که در سرکوب توطئه جدید امپریالیسم آمریکا:

● اتحاد و هوشیاری انقلابی خود را حفظ کنند و شایعه سازیها و تحریکات عمال یعنی عراق را، که سعی در ایجاد تشنج و زمینه سازی در جهت اهداف شوم خود دارند، خنثی کنند.

● متحدانه و دوشادوش نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر باند های ضد انقلاب و جنگ افروز بیاخیزند و نگذارند که بار دیگر شهرهای کردستان و خانه و کاشانه مردم رنج دیده کرد سنگر مزدوران یعنی عراق گردد.

● مقامات مسئول و متصدد جمهوری اسلامی ایران و دست اندر کاران مسئله کردستان برای خنثی کردن توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، متفرد کردن ضد انقلاب و جلب توده های رنج دیده کرد به دفاع از جمهوری اسلامی ایران، وظایف خطیری بر عهده دارند. امر بسیج و تجهیز توده های مردم و نیروهای مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که بارها آمادگی خود را برای دفاع از وطن انقلابی اعلام کرده اند، جدی ترین و فوری ترین وظیفه مقامات مسئول کردستان در لحظه حساس کنونی است. توجه اساسی به خواستهای خلق کرد و از جمله قلمنامه ۸ ماهه ای شورای مساجد شهر مهاباد، رفع تضییقات کارمندان دولتی، پایان بخشیدن به انحلال آموزش و پرورش در بعضی از شهرهای کردستان و اعلام عفو عمومی، کمک موثری به حل مسئله کردستان و تقویت جبهه انقلاب خواهد کرد.

در راه مقابله با توطئه جدید امپریالیسم آمریکا و دشمنان انقلاب در کردستان، سازمان حزب توده ایران در مهاباد، به پیروی از منی انقلابی حزب خود، آماده هرگونه فداکاری و جانفشانی برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

کرده اند، اینک میتوانست اثرات «پر بار» آنها که مشکل نمودن حزب ارتجاعی جمهوریخواه... و با این تصریح، تأکید کردند که حزب دموکرات آمریکا را، که او هم جز آل تفعل انصارات نفت و اسلحه نیست، «مترقی» میدانند، و این علیرغم آنست که امام خمینی، مدتها قبل از انتخابات آمریکا، کارتر را «جنایتکار» نامیدند و به او توصیه کردند که بدنبال شغل دیگری برای خود باشد.

عجبا که لیبرالها، که از آغاز تا پایان، در مسئله مشخص «گروگانها» همانند اکثریت قریب به تمام مسائل انقلاب، موضعی مخالف یا خط امام خمینی داشته اند، خود را پیرو خط امام هم میدانند و از اینکه بر اختلافات مواضع آنها با مواضع قاطع امام خمینی تأکید شود، خشمگین میشوند.

ولی پیروی و پشتیبانی از خط امام خمینی دارای محتوای مشخصی است که بر یکسان بودن مواضع استوار است. نمیتوان راه خود را رفت و ادعای پیروی از خط امام را داشت. نمیتوان بر مواضع سازشکارانه یا فتردی و دمووی انقلابی بودن داشت.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

راندنده زحمت کشی در شیراز گفت:

اگر «نامه مردم» نباشد، من شبها نمیتوانم بخوابم

رفیقی که نامه «مردم» را در شیراز پخش میکند، در نامه ای می نویسد: «طبق روال هر روز، نامه «مردم»، این پیام آور امید و آزادی را در کیوسکها پخش میکردم. تقریباً کارم در حال تمام شدن بود و به آخرین کیوسکی که می بایست نامه «مردم» میدادم، رسیده بودم، که در این لحظه یک وانت بار چسبوی کیوسک توقف کرد و راننده آن، که یک مرد میانسال بود، از آن خارج شد و بطرف کیوسک آمد. هنوز کاملاً به کیوسک نزدیک نشده بود، که با لبخندش از آزادی بجایی و با صدای بلند گفت: «آقا به بخشید مردم امروز تدارک ده».

چهره اش بیاتگر سالها رنج و استعمار بود. سیل های خاکستری رنگی در چهره اش درخشش خاص ایجاد کرده بود، درخششی که پیام آور امید و آینه روشن بود. آینه ای که در آن زحمت کشان از بند و اسارت استعمار و بهره کشی فرد از فرد آزاد هستند. شیارهای درشت دستپایش از شدت کار ترک دار شده بودند.

صاحب کیوسک گفت: «مردم دیروز هم داریم و مردم امروز هم الان آورده اند»

چهارم من شبها نمیتوانم بخوابم. حتی اگر در راه باشم، باید «مردم» همان روز را بخوانم. و ادامه داد: «مردم» دیروز را تو راه خواندم. ماشینم را کنار زد و با نور داخل ماشین آن را تمام کردم.

و باز با همان لجه شیرین آزادی بجایی ادامه داد: «این حزب، حزب طبقه کارگر و همه زحمت کشان ایران است و فقط این حزب است که مدافع واقعی ما زحمت کشان است»

راننده سپس متوجه شد که من نامه «مردم» را در کیوسکها پخش میکنم. با لبخندی گرم دستش را بطرف من دراز کرد. دستی که گرمی و عشق و اعتماد نه به من، بلکه به حزب، حزب توده ایران، از آن می تراوید.

وقتی من هم یزیدان آزادی بجایی جواب تشکرش را دادم، گفت: «از زحمتی که در راه زحمت کشان و حزب می کشید، آینده و تاریخ سپاسگزار خواهد بود» سپس با همان لبخند گرم خود نامه «مردم» را با دقت تا کرد و خدا حافظی نمود و بطرف وانت بار خود رفت، تا راهی یک شهر دیگر شود و نامه «مردم» فردا را در آن شهر بخواند.

چهارم من شبها نمیتوانم بخوابم. حتی اگر در راه باشم، باید «مردم» همان روز را بخوانم. و ادامه داد: «مردم» دیروز را تو راه خواندم. ماشینم را کنار زد و با نور داخل ماشین آن را تمام کردم.

راننده گفت: «اگر این نباشد، من شبها نمیتوانم بخوابم. حتی اگر در راه باشم، باید «مردم» همان روز را بخوانم»

راننده سپس متوجه شد که من نامه «مردم» را در کیوسکها پخش میکنم. با لبخندی گرم دستش را بطرف من دراز کرد. دستی که گرمی و عشق و اعتماد نه به من، بلکه به حزب، حزب توده ایران، از آن می تراوید. وقتی من هم یزیدان آزادی بجایی جواب تشکرش را دادم، گفت: «از زحمتی که در راه زحمت کشان و حزب می کشید، آینده و تاریخ سپاسگزار خواهد بود» سپس با همان لبخند گرم خود نامه «مردم» را با دقت تا کرد و خدا حافظی نمود و بطرف وانت بار خود رفت، تا راهی یک شهر دیگر شود و نامه «مردم» فردا را در آن شهر بخواند.

جنایات تجاوز گران...

بقیه از صفحه ۱

جبهه دیگر آبادان بر اثر آتش نیروهای دلار ما، حدود ۱۵ نفر از دشمنان انقلاب اسلامی کشته و ۲ تانک، ۳ خودرو و یک انبار مهمات ارتش صدام مزدور منهدم شد.

روز ۲۵ دیماه در اکثر جبهه های غرب، میادله آتش توپخانه و سلاحهای سنگین بصورت پراکنده، بین نیروهای قهرمان ما و دشمن ادامه داشته است و در عملیات «تنگه حاجیان»، باز هم ۴ نفر از سربازان مزدور ارتش عراق به اسارت دلوران اسلام درآمدند.

همچنین بر روی (بنجشبه) در جبهه دهلران، بر اثر آتش خمپاره انداز رزمندگان آزادی بجایی، یکدستگاه تانک و مقادیری از وسایل و تجهیزات نیروهای عراق منهدم شد و خدمه آنها نیز به هلاکت رسیدند.

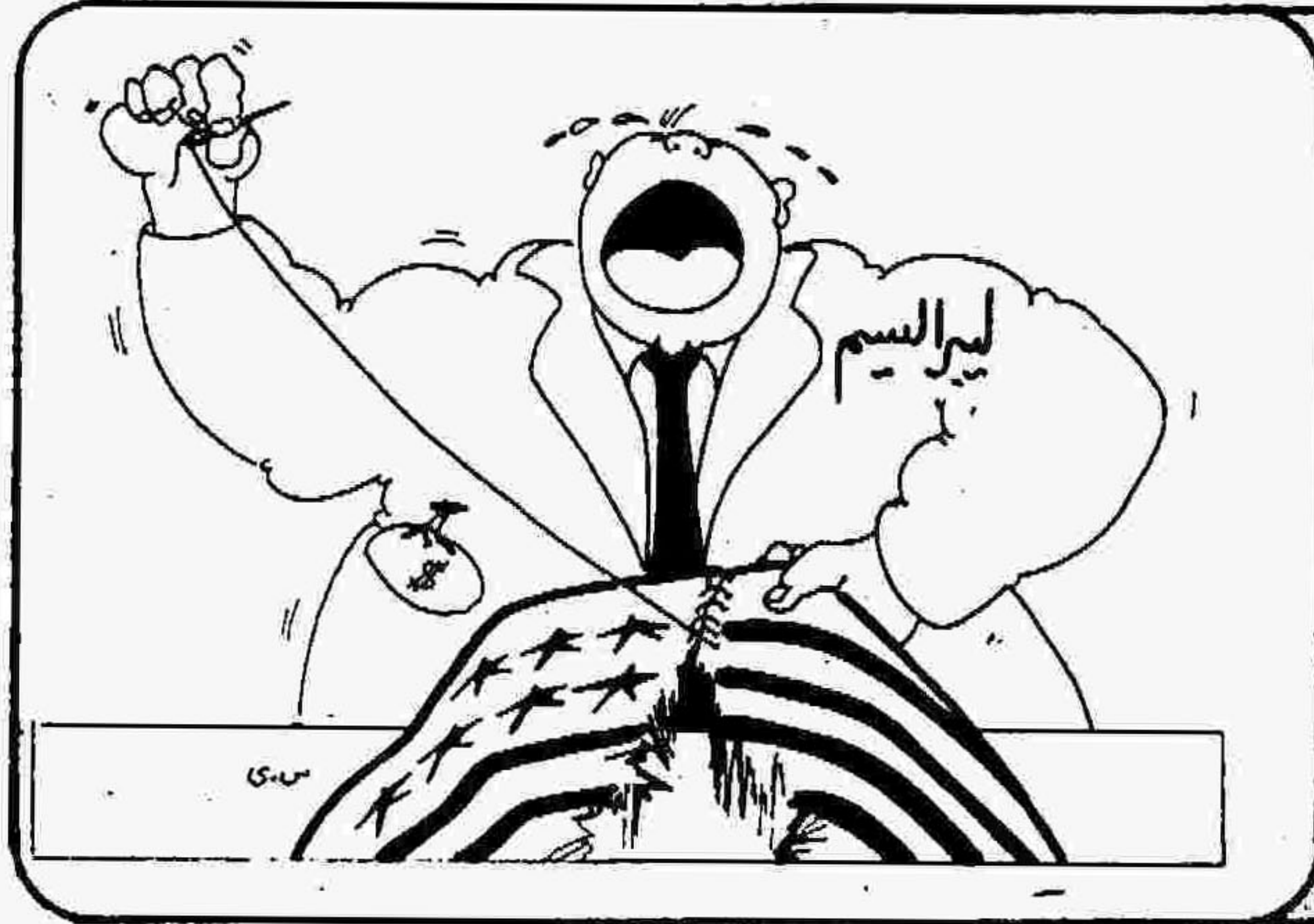
روز ۲۵ دیماه، ۳ فرونده هواپیمای متجاوز عراقی بوسیله رادار در پایگاههای ایلام و بوشهر، کشف شد، که با اجرای آتش پدافند هوایی نیروهای مستقر در منطقه متواری شدند.

در ساعت ۱۳۰۰ با تعداد دیروز (جمعه)، نیروهای ارتش مزدور صدام جنایتکار با بر تانک دوموشک به شهرستان گیلانغرب، حدود ۱۰ خانه مسکونی را در این شهر ویران کردند. اما سلیحستوران مسلمان این منطقه مرزی، همچنان با حفظ روحیه قوی و رزمندگی در دفاع از میهن اسلامی، مصممند و می دانند اینگونه جنایتها، ناشی از ترس دشمن و نشانه زوال و شکست قوای کفر است.

پیش از ۸۰ نفر بوده است. در

کارنامه ۱۰ ماهه سیاست

خارجی لیبرال ها ۳



صادق قطب‌زاده: نظر من به کار تر نظر مثبتی است!

قطب‌زاده با عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا مخالف بود و برای آزادی گروگانهای جاسوس تلاش میکرد.

اتحاد شوروی محاصره اقتصادی ایران را «وتو» می‌کند، قطب‌زاده به آن یادداشت اعتراض آمیز تسلیم می‌کند!

امریالیسم آمریکا، که در تلاش‌های خویش برای مسخ انقلاب ایران و با سرکوب آن، موفق نشده بود و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بسیاری از طرح‌های توطئه آن را نقش بر آب کرده و ماسک ریا از چهره بسیاری از وابستگان خباثنکار آن دریده بود، به اعمال فشار بر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در صحنه جهانی روی آورد. دولت آمریکا به اتفاق متحدانش در شورای امنیت سازمان ملل متحد، درصدد اعمال محاصره اقتصادی ایران برآمدند، تا جمهوری اسلامی ایران را به تسلیم وادارند. پیشنهاد آمریکا برای محاصره اقتصادی ایران، در شورای امنیت، ۱۵ رای موافق، دو ممتنع (مکزیک و بنگلادش) به دست آورد، جمهوری دمکراتیک آلمان به آن رای مخالف داد و اتحاد شوروی با استفاده از حق خود، این توطئه خائنانه را «وتو» کرد و بدینسان آن را نقش بر آب نمود.

رد شدن طرح محاصره اقتصادی ایران در شورای امنیت، پیروزی عظیمی برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و شکست بزرگی برای امریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی امریالیسم آمریکا بود. این آزمون بار دیگر جنبه دوستانه انقلاب ایران را از جنبه دشمنانه توطئه‌گرش جدا ساخت و به مسئولین جمهوری اسلامی ایران، ضرورت حیاتی برقراری مناسبات دوستانه با جنبه ضد امریالیستی جهانی و مقابله قاطع با توطئه‌های جنبه امریالیستی جهانی را یادآوری کرد. اما امریالیست‌ها، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، و پیروان ایرانی خط‌سازش با امریالیسم، از این امر به هیچ‌وجه خشنود نبودند. آن‌ها به دنبال راهی می‌گشتند تا امریالیسم آمریکا را، که بواسطه این توطئه خائنانه، آماج خشم توده‌های انقلابی مردم ایران قرار گرفته بود، از زیر ضربه خارج سازند و دشمن موهومی را به جای آن بنشانند، و چه بهتر اگر این «دشمن»، در واقع مدافع پیکر و صادق انقلاب ایران نیز باشد. توطئه بر این اساس و با این هدف شوم طرح‌ریزی شد. در اوج

توطئه‌های ضد انقلابی حزب آمریکایی «خلق مسلمان»، ابتدا اعلامیه مجعولی در تبریز پخش شد که ادعا می‌کرد، جمهوری اسلامی ایران از کشورهای سوسیالیستی کمک نظامی دریافت می‌کند. سپس خبرگزاری امریالیستی فرانسه، از قول کاردار اتحاد شوروی در مکزیکو، خبری جعلی مخابره کرد که ادعای فوق را تأیید می‌کرد. خبر جعلی مذکور توسط خبرگزاری پارس و سپس صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد. و وزارت امور خارجه قطب‌زاده، بدون هیچ‌گونه تحقیقی برای روشن ساختن درستی یا نادرستی خبر، یادداشت اعتراضی تنیدی به اتحاد شوروی تسلیم کرد! حتی پس از آن که کذب خبر آشکار شد و خبرگزاری رسمی شوروی این خبر را صریحاً تکذیب کرد و پخش آنرا «توطئه کثیف و مفتضح» نامید، قطب‌زاده یادداشت اعتراض خود را پس نگرفت!

قطب‌زاده، در تمام دوران تصدی پست حساس وزارت امور خارجه، نشان داد که گوش حساسی برای اخبار جعلی خبرگزاری‌های امریالیستی علیه دوستان انقلاب ایران و مصالح جمهوری اسلامی ایران دارد و همواره این اخبار را که در «لحظات حساس»، به منظور انحراف افکار مردم ایران از توطئه‌های واقعی امریالیسم آمریکا، جعل و پخش می‌شوند، سکه نقد می‌گیرد و آن‌ها را راهنما و راه‌گشای سیاست خویش می‌شمارد. چندی بعد از این واقعه، درست در مجموعه تهدید نظامی ایران توسط امریالیسم آمریکا، خبرگزاری امریالیستی یونایتد پرسی خبری جعلی درباره حضور نیروهای شوروی در مرز ایران منتشر ساخت، که از صدای آمریکا نیز پخش شد. قطب‌زاده بر اساس این خبر جعلی، در مصاحبه با روزنامه «فیکارو»، از نشریات بورژوازی امریالیستی فرانسه، گفت: «ما هشيارانه نگران حضور تانک‌های شوروی در چند کیلومتری مرزهای خود با افغانستان هستیم.» (جمهوری اسلامی، ۳۰ دی ماه ۵۸) خبرگزاری رسمی شوروی «تاس» و سپس خود «صدای آمریکا» این خبر را تکذیب کردند. اما قطب‌زاده سکوت را ترجیح داد.

کنفرانس آمریکائی اسلام آباد

در اواخر دی ماه ۵۸، کنفرانس

وزیران امور خارجه کشورهای جبهه پایداری (سوریه، الجزایر، لیبی، جمهوری دمکراتیک خلق یمین، سازمان آزادی‌بخش فلسطین) در دمشق به کار خود پایان داد. در سند نهایی این کنفرانس «سیاست تجاوزکارانه امریالیسم آمریکا و مانورهای خطرناک آمریکا در خاورمیانه و نزدیک سواحل ایران» محکوم شده بود. در سند گفته شده بود:

«آمریکا دربارہ ایران و افغانستان هیاهو برافراشته است تا به روی طرح‌های تجاوزکارانه خود سربوش گذارد. در همان زمان کنفرانسی از کشورهای مرتجع و ضد خلقی وابسته به امریالیسم آمریکا، به دستور آمریکا و با پادوشی ضیاء‌الحق در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، تشکیل شد. هدف این کنفرانس آن بود که بر توطئه‌های امریالیسم آمریکا علیه خلق‌های منطبقه سربوش گذارد و انتظار را متوجه اتحاد شوروی سازد. کنفرانس ظاهراً برای دفاع از «مسلمانان» افغانستان تشکیل شده بود، اما تشکیل‌دهندگان آن، که همگی بد طولانی درکشتار مسلمانان انقلابی کشورهای خویش دارند، ماهیت این کنفرانس «اسلامی» را افشا می‌کردند. عربستان سعودی، سلطان نشین عمان، بنگلادش، پاکستان، مصر، اندونزی، سوئد، مراکش، بحرین و نظایر آن‌ها در این کنفرانس گرد آمده بودند. بی‌شک جای ایران انقلابی، نه در کنار این دست - نشانندگان امریالیسم، بلکه در کنار کشورهای انقلابی عضو جبهه پایداری بود که همچون ایران در حال جنگ با آمریکا به سر می‌برند. اما درحالی‌که ناوهای هواپیمابر «نیمیتس»، «میدوی»، «کیتی» - «هاوک» و «فورتول» با آن‌سوه عظیمی از سلاح‌های مدرن در آب‌های مجاور سواحل ایران رژه می‌رفتند و پایگاه‌های مصر و عمان و بحرین و اسرائیل جهت پیاده شدن نیروی مداخله‌گر ۱۱۰ هزار نفری «واکش سریع»، آماده می‌شدند، نماینده وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به کنفرانس آمریکائی اسلام‌آباد رفت. کنفرانس اسلام‌آباد روز ۲۷ بهمن ماه ۵۸، به ریاست سرسپرده هروف امریالیسم آمریکا، یعنی «آقا شاهی» تشکیل شد. وی از همان آغاز اعلام کرد که: «بدون شک در این کنفرانس مسائلی مانند تحریم بازی‌های المپیک در مسکو و یا قطع روابط دیپلماتیک

بین جهان اسلام و شوروی مورديحت فرار خواهد گرفت».

ولی در مورد مساله حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند، آقا شاهی گفت که این مسئله «در دستور کار کنفرانس گنجانده نشده است!» شرکت ایران در کنفرانس آمریکائی اسلام‌آباد از جانب‌ساری از گروه‌های مسلمان در ایران، از جمله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، طلاب حوزه علمیه قم و سنا پاسداران قم، محکوم شد. ولی قطب‌زاده اعتراض افکار عمومی مردم ایران به شرکت ایران در این توطئه امریالیستی را «کار حزب توده» نامید! او افزود که: «این سفر در جهت اجرا و حفظ استقلال ایران است!»

ولی در قطب‌نامه کنفرانس حتی کلمه‌ای هم علیه توطئه‌های آمریکا بر ضد ایران گنجانده نشده بود! افکار عمومی مردم ایران به جانب کنفرانس آمریکائی اسلام‌آباد و جنجال‌هایی که وزارت امور خارجه ایران در این باره برپا کرده بود، متوجه بود که، «جاسوس آمریکائی، که به هنگام تسخیر لانه جاسوسی گریخته و در سفارت کانادا مخفی شده بودند، با پاسپورت‌های جعلی، که به مهر جعلی عبور مهور بود، به کمک سفارت کانادا از ایران گریختند! صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که، از این واقعه هیچ‌گونه اطلاعی نداشته است!

چگونه شاه مخلوع در پاناما دستگیر شد!

بررسی «سیاست خارجی» دوران قطب‌زاده، بالاچار برخی مسائل را مطرح می‌سازد که هرچند برای نشان دادن این‌که چگونه می‌توان سرنوشت یک انقلاب را به بازی گرفت و آنرا بی‌اعتبار کرد، شایسته توجهند، اما در واقع ماه نهایت تاسف و تحیرند. دوره ۹ ماهه وزارت امور خارجه قطب‌زاده، که ۹ ماه حساس و پرمخاطره در حیات مردم ایران و در سرنوشت انقلاب ایران است، از این‌گونه وقایع، که تنها نام «بازی» می‌توان بر آن‌ها نهاد، مشحون است. نمونه بارز و جالب این‌گونه وقایع که نشان‌دهنده چگونه می‌توان «در به‌بازی گرفتن سرنوشت ۳۵ میلیون انسان گستاخ بود، ماجرای «دستگیری شاه مخلوع در پاناما» است.

وزارت امور خارجه، در ۳ بهمن ماه ۵۸، دوازده روز قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ایران - که یکی از نامزدهای آن صادق قطب‌زاده بود - طی یک اطلاعیه رسمی اعلام داشت که: «رئیس‌جمهور پاناما، ساعت ۳:۰۵ دقیقه جمعه آن‌روز، تلفنی با صادق قطب‌زاده تماس گرفته و اعلام کرده است که شاه مخلوع در بازداشت دولت پاناما است. قطب‌زاده، در ساعت ۱۱ صبح، در گفتگوی اختصاصی با روزنامه کیهان، اعلام کرد که:

«برای این‌که شاه را بتوانیم به ایران برگردانیم، باید مدارک مورد نظر دایر بر جانی‌کار بودن و دزد بودن او را به پاناما بفرستیم. در همان روز، کیهان - به نقل از خبرگزاری فرانسه در پاناما، گزارش داد که: «حکومت کلمبیا، ریاست‌جمهوری پاناما از خبر دستگیری شاه مخلوع اظهار بی‌اطلاعی کرده است! قطب‌زاده فردای آن‌روز، طی یک صفحه در صفحه ۶

مکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پس از سقوط دولت موقت لیبرال‌ها، پس از دوران کوتاهی، به دست صادق قطب‌زاده سپرده شد، که قبل از آن، سرپرست صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بود. در این دوران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین و تصویب شده بود و برخلاف ۹ ماه گذشته، اصول و مبانی معینی برای سیاست خارجی ایران وجود داشت، که می‌توانست برای مسئولین این وزارتخانه، راهنما و شاخص باشد. اما متأسفانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، طی تمام دورانی که صادق قطب‌زاده در بالاترین مقام مسئول آن قرار داشت، از خط پیشین خویش حتی ذره‌ای نیز منحرف نگردید. برعکس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوران گام‌های تازه بر روی خط پیشین برداشت.

طی دوران تصدی صادق قطب‌زاده در پست وزیر امور خارجه، کشور ما با ۴ توطئه خطرناک و عظیم امریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مواجه گردید. در میان ارگان‌های دولتی، وزارت امور خارجه مهم‌ترین و حساس‌ترین وظیفه را در مقابله با این توطئه‌های خطرناک ضد انقلابی برعهده داشت. وزارت امور خارجه ایران می‌بایست فریاد اعتراض خود را علیه این توطئه‌ها به گوش همه جهانیان برساند، نجات واقعی امریالیسم آمریکا و متحدان و دستیاران دست‌نشاندها را افشا کند، دوستان و متحدان خویش را در جبهه پایداری، در میان کشورهای غیرمتعهد، در جبهه نیروهای ضد امریالیستی بیابد و از آن‌ها یاری بطلبد و در سطح جهانی تضمین‌های مطمئن برای حراست از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پدید آورد. اما وزارت امور خارجه قطب‌زاده در اندیشه‌های دیگری بود.

سیاست

«موازنه منفی» علیه قانون اساسی

قطب‌زاده در نخستین مصاحبه خود، که در تاریخ ۲۶ آذر ماه ۵۸ با روزنامه «بامداد» انجام داد، «رئوس سیاست خارجی» خود را اعلام داشت. این «رئوس» نه تنها مبهم بود، بلکه با نص صریح قانون اساسی نیز، که به تازگی تصویب شده بود، تفاوت فاحش داشت. قطب‌زاده، در این مصاحبه، از اصل عدم تعهد و نیز از اصل حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر - که در قانون اساسی هست - اصلاً نامی نبرد، بالعکس، «موازنه منفی» را یکی از اصول سیاست خارجی خود اعلام داشت، که در قانون اساسی وجود ندارد. قطب‌زاده یکی از اصول سیاست خود را چنین اعلام کرد:

«سیاست موازنه منفی بر مبنای رعایت صداقت در سخن و عمل».

قطب‌زاده با اعلام سیاست «موازنه منفی» - به شرط رعایت صداقت در سخن و عمل - در واقع کشورهای ضد امریالیستی را در ردیف دولت‌های امریالیستی قرار می‌داد. دوری چستن یکسان، هم از دوست و هم از دشمن، - اگر صادقانه هم باشد - در بهترین حالت به انزوای «مادقانه» می‌انجامد و در عمل و در آخرین تحلیل - خواه ناخواه - به سود دشمن است، چه رسد به این‌که سیاست «موازنه منفی» فقط ابزاری برای مقابله با دوست باشد، چنان‌که در دوران وزارت امور خارجه قطب‌زاده چنین بود.

توطئه اخراج کارگران را باید خنثی کرد

• اخراج کارگران می تواند ضربات جدی بر انقلاب وارد سازد. با اقدام های قاطع و انقلابی، باید از اخراج بی رویه کسارگران جلوگیری کرد.

• کارفرماها و مدیران طاغوتی، با اخراج کارگران، در تدارک توطئه های امپریالیسم آمریکا شرکت دارند.

در روزهای اخیر، بخصوص پس از اوج گیری جنگ تحمیلی رژیم صدام، حیره های بسیاری از اخراج کارگران در کارگاه ها و موسسات دولتی و خصوصی می رسد.

کارفرماها و مدیران طاغوتی کارگران را به بهانه های مختلف از کار اخراج می کنند. به عنوان نمونه: در شرکت نفت فلات قاره منطقه "بهرگان" امام حسین، از توابع استان بوشهر، که قیلا نام "سریب" فعالیت می کرد، به دستور رئیس منطقه، ۶۰ نفر از کارگران اخراج شدند.

این کارگران بیگانه هستند و هر یک بین ۲ تا ۱۰ سال سابقه کار دارند. رئیس شرکت کارگران را به دلیل نبودن کار اخراج کرده است.

در شرکت غذایی "پوشن کیت" بوشهر نیز ۶۰ نفر از کارگران را اخراج کرده اند.

در کارگاه های کوچک و بزرگ، تولید مواد غذایی و کارگاه های صنعتی نیز کارگران را به علت کمبود مواد اولیه اخراج می کنند.

در شرایط حساسی که بر کشور حاکم است، امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، سعی خواهد کرد که از اسامانی ها و کمبود های موجود نهایت استفاده را بکند. امپریالیسم آمریکا، پس از شکست ششمین توطئه خود، که از طریق تجاوز رژیم صدام به خاک میهن مان صورت گرفت، هم اکنون با ایجاد درگیری و تشنج، توطئه هفتم خود را تدارک می بیند.

از جمله وسایلی که دشمنان انقلاب ایران در اختیار دارند، استفاده از کارفرماها و مدیران طاغوتی است. از همین روست که کارفرماها و مدیران طاغوتی سعی می کنند با خرابکاری و ایجاد ناراضی بین کارگران، از تعمیق و گسترش انقلاب جلوگیری کنند.

کارفرماها و مدیران طاغوتی، با اخراج بی رویه کارگران، می توانند ضربات جدی و جبران ناپذیری بر انقلاب وارد کنند، زیرا آن ها از سویی جونا راضیتی و بدبینی را در بین کارگران افزایش می دهند و از سوی دیگر خود را تدارک می بینند.

انقلاب ایران در اختیار دارند، استفاده از کارفرماها و مدیران طاغوتی است. از همین روست که کارفرماها و مدیران طاغوتی سعی می کنند با خرابکاری و ایجاد ناراضی بین کارگران، از تعمیق و گسترش انقلاب جلوگیری کنند.

کارفرماها و مدیران طاغوتی، با اخراج بی رویه کارگران، می توانند ضربات جدی و جبران ناپذیری بر انقلاب وارد کنند، زیرا آن ها از سویی جونا راضیتی و بدبینی را در بین کارگران افزایش می دهند و از سوی دیگر خود را تدارک می بینند.

کارگران کارگاه های تهیه ظروف آلومینیومی و روی:

ما پیرو خط امامیم و امیدواریم خط امام پیش برود

در تهران حدود ۱۲۰ کارگاه تهیه ظروف هست. ما برای آشنایی وضع این صنف به سراغ کارگاهها رفتیم و با چند تن از صاحبان کارگاهها و کارگران به صحبت نشستیم. ظروف آلومینیومی و روی، که در این کارگاهها تهیه میشود، از مرحله "گردی" آغاز میشود. کارخانه اصلی تهیه ورفسا و مواد اولیه دز اراک است و بعد از انقلاب در اختیار وزارت صنایع و معادن قرار گرفته است.

یکی از صاحبان کارگاهها، واقع در باغ فردوسی، سه نام حسن نکو، در این مورد میگوید: "بعد از انقلاب کارخانه تهیه آلومینیوم با کمبود تولید مواجه شده و سیاست غلط مدیران این کارخانه باعث شده که ما ظرفیت تولیدی خود را به خوبی و حتی کمتر برسانیم، و در نتیجه کارگران بسیاری بیکار شده اند."

و ادامه میدهد: "هنوز کارخانه همان ضوابط طاغوتی را اجرا می کند، یعنی اینکه به عوض اینکه ورق را در اختیار ما بگذارد، در اختیار سرمایه دارهای بزرگ، که بکار نورد مشغولند، می گذارد و آنها جنسی را که کارخانه به قیمت ۱۲ تومان در اختیار آنها گذاشته به ما که صاحب کارگاههای کوچک هستیم، به قیمت ۲۲ تومان میدهند."

و در جواب اینکه: "چه کار باید کرد"، میگوید: "باید این ضوابط طاغوتی مدیران فروش - که به رشوه خواری مشغولند - از بین برود و جنس مورد لزوم ما را در اختیار اتحادیه صنفی یا تعاونی بگذارند."

در جواب اینکه: "چه کار باید کرد"، میگوید: "باید این ضوابط طاغوتی مدیران فروش - که به رشوه خواری مشغولند - از بین برود و جنس مورد لزوم ما را در اختیار اتحادیه صنفی یا تعاونی بگذارند."



مواد اولیه کارخانه تامین بشود و بیکاری تمام شود

یعنی هر کیلو ۳ ریال و روزانه در مجموع ۲۰۰ کیلو کار می کنیم. از بیمه و سندی کامی پرسم. جواب میدهد: "داریم" و از مبارزاتش در دوران انقلاب میگوید:

"۴ روز زندان بودم و کتک زیادی خوردم!" وی انتظارش از دولت این است که به وضع رفاهی کارگران رسیدگی کند. ضمناً به علت عدم تامین مادی، ترک تحصیل کرده است.

یکی از همکاران وی، که سابقه ۶ سال کار دارد (با ۱۰۰۰ تومان درآمد) میگوید:

"انقلاب کردیم، ولی برای کارگران بیشتر محرومیت ها هنوز هست."

وی میگوید: "دولت باید به وضع ما رسیدگی کند."

محمد علی نیکبخت یکی دیگر از کارگران میگوید: "من پیرو خط امامم و امیدوارم که خط امام پیش برود."

با وجود فضای مسموم کارگاهها و خطرات ناشی از کار کارگران، از هرگونه وسایل ایمنی کارو لباس بی بهره اند. با اینهمه کارگران به انقلابشان امیدوارند. آنها حق دارند از تضمین شغلی برخوردار شوند و رنج و محرومیت دوره طاغوت برای همیشه و داج گویند!

حسن کارگری یکی از کارگاهها، میگوید: "باید دولت ایران با کشورهایی که خواهان رابطه عادلانه بازرگانی هستند، مانند شوروی و با کشورهای دیگر سوسیالیستی رابطه برقرار کند و مواد خام ضروری راتهییه برود."

علمدار حیدری میگوید: "در کارخانه اراک هنوز کارشکنی میکنند. خیلی از کارگاهها خوابیده و کارگران بیکارند."

کارگران این کارگاهها اکثراً جوانند و دستمزدهای آنان روزانه از ۵۰ تومان تا ۱۲۰ تومان است. ضمناً عده ای از آنها کیلوئی کار می کنند.

علی احمدی (۱۷ ساله) میگوید: "من کیلوئی کار می کنم،"



انقلاب باید بیشتر زندگی نوینی برای آنها باشد

در کوره های آهک پزی فارس چه می گذرد؟

کوره ها را گسترش دهند و همچنین با تهیه بیل مکانیکی و تسه نقلیه کار را راحت تر انجام دهند.

خواست کارگران اینست که: از تمام مزایای قانونی کارگران استفاده کنند و یا اینکه دولت زمینه ساز این اقدامات آنها قرار دهد، تا به کار کشاورزی بپردازند.

یکی از کارگران میگوید: "اخیراً جهاد سازندگی برای رفع کمبود زمین در روستای "لیو"، اقدام به فشر کانا ل جهت خشک کردن مرداب بزرگی در نزدیکی این روستا کرده است. با خشک کردن این مرداب زمینهای وسیعی برای کشت آماده میشود و با تقسیم این زمین ها بسیاری از خوش نشین ها صاحب زمین خواهند شد. اگر تقسیم زمین در سطح کشور انجام شود، در آن صورت دیگر کشاورزان بی زمین نخواهیم یافت که برای یافتن کار آواره شهرها شوند."

نفر کارگر در کوره کار می کند. یکی از کارگران، خوش نشین دیگری دهقان کم زمین است. بنا بر این کارگران هم در کوره و هم بر روی زمین کار می کنند. این کوره پس از چهار شبانه روز، هر بار صدوسی تن آهک تولید می کند. صاحبان کوره از دولت تقاضا دارند که وامی جهت خرید بیل مکانیکی در اختیار آنان قرار دهد تا به این وسیله از سختی کار بکاهند.

یکی از برادران صاحب کوره گفت: "دولت عوض اینکه به ما وام بدهد و بیا کمک کند، در عوض برای ما ایجاد مزاحمت می کند."

در گفتگویی که با دو تن از صاحبان دو کوره نامبرده داشتیم، آنها خواستار آن بودند که چون سرمایه کوره ها ناچیز است و تولید به شکل سنتی انجام می شود، باید دولت وامی در اختیار آنها بگذارد، تا بتوانند

"هر روز با بیداز صبح تا شب کنار آتش کار کنم، تا خرج خانواده پنج نفری را تامین کنم. هر چند که با این گرانی سرسام آور روزی صد تومان به جایی نمی رسد. اگر بیعت بیماری بگروم نتوانم کار کنم، آن روز مزدی بمن تعلق نمی گیرد، چون ما را به علت موقتی بودن کار بیمه نمی کنند. تمام امید ما اینست که دولت قطعه زمینی در اختیار ما بگذارد، که روی آن کشاورزی کنیم و از این آتش کوره راحت شویم."

این کارگران از هیچگونه مزایایی برخوردار نیستند و کارفرمایان به آنها گفته اند که فقط کارگران شرکت های بزرگ می توانند از حقوق بیمه، تعطیلی و سایر مزایا برخوردار شوند.

کوره علی اکبر کوره علی اکبر در سال جاری با سرمایه هزار و سیصد هزار ریال آغاز بکار کرد. سه برادر صاحب کوره هستند که با اتفاق دو

کوره خانبا با کوره خانبا با بوسیله دو نفر شریک اداره می شود، که پنج کارگر هم در آن کار میکنند. این کارگران هر روز از ساعت ۶ با مداد تا ۶ بعد از ظهر، با دریافت روزی هزار ریال کار می کنند. کار از دو بخش چیدن سنگ در کوره و بار کردن آهک در ماشین تشکیل می شود. پس از طی هفت شبانه روز، سنگ آهک در داخل کوره تبدیل به آهک می شود و تولید هر باره آن حدود صد تن آهک است.

کارگران سپس در کنار آتش کوره، آهک گرم را بار ماشین می کنند. از شدت گرما، بیش از دو دقیقه نمیتوان کنار کوره ایستاد. کار در کوره ها چنان طاقت فرسا است که کارگران نمیتوانند بیش از شش ماه در کوره دوام بیاورند، چون سختی کار آنها را از پا در می آورد.

علی، یکی از کارگران کوره در این زمینه گفت:

در ۳۰ کیلومتری جاده شیراز - مرودشت، در نزدیکی روستای لیو تعداد ۹ کوره آهک پزی وجود دارد، که کارگران و صاحبان این کوره ها، ساکن روستای لیو هستند. سرمایه لازم برای ایجاد هر کوره بطور متوسط پانصد هزار ریال است. در هر یک از کوره ها صاحبان کوره ها با تفیق پنج تا هفت کارگر مشغول کارند. تولید آهک در این کوره ها به طریق سنتی انجام میشود و سنگ مورد نیاز هم از منطقه بیضا تهیه می شود. صاحبان کوره ها هر ماهی سنگ آهک را به مبلغ دوهزار و سیصد ریال خریداری می کنند. (سنگ آهک پس از تبدیل شدن به آهک، مقدار زیادی وزن کم می کند). آنگاه آهک تولید شده در کوره به راننده های کامیونها، از قرار هرتن دوهزار و چهارصد ریال، فروخته می شود. راننده نیز آهک را در شهر شیراز (مرودشت) تنی سه هزار ریال می فروشد.

کشت و کار

در سایه نظم و امنیتی که در جهت حفظ منافع دهقانان باشد

"... اهل یکی از روستاهای اطراف مراغه بنام چالبه کنده، نزدیک ایستگاه قطار سراجو، هستم. بعد از انقلاب و تقسیم زمین و قرار عده‌ای از زمینداران بزرگ من و برادرم صاحب قطعه‌ای باغ و زمین مزروعی شدیم و شروع به کشت زمین کردیم. لیکن خانواده‌ای قلندر و زورگو و مسلح، پس از اینکه به برکت انقلاب ما صاحب زمین شدیم، ما را هم مانند دیگر روستائیان تحت فشار قرار دادند. مثلاً بچه مرا کتک زدند و بمن نیز فحش دادند. من چندین بار جواب ندادم و شاهد کتک

خوردن زن و بچه‌هایم شدم. بالاخره یکبار اعتراض کردم. آنها مرا هم کتک زدند. عده آنها زیاد است. در حدود ۴۰-۵۰ نفرند، که همگی خویشاوند هستند. اینها صاحب روستا هستند و هرکاری که دلشان می‌خواهد، میکنند. زمین مزروعی مرا و برادران کردند و در مقابل اعتراض من، خانواده‌ام را مورد حمله قرار دادند و مادرم را کتک زدند. آنها اسلحه دارند و مصمم هستند که با زور، کوی زمینهای ما را بگیرند و از ده بیرونمان کنند. تنها وضع من اینطور نیست. زور-گویان خانه، یکی از اهالی ده را خراب کردند. بیهمسر فرد دیگری حمله کردند و سرانجام شخص دیگری را کتک زدند و پدرش را مضروب ساختند. هر زمانی نیز که به دادگاه شهر مراجعه میکنیم، چون این خانواده در ادارات هم دارای نفوذ هستند، به شکایات ما رسیدگی نمیشود، یا اگر ما موران کمیته‌به‌ده می‌آمدند، این زورگویان موفق می‌شوند ما را وارونه جلوه دهند و وقتی که ما موران می‌رفتند، دوباره دعوا راه می‌انداختند و افراد خانواده شاکتی را کتک می‌زدند. آخر اگر این زورگویان نبودند، مگر من مجبور بودم که با داشتن آن قطعه باغ و زمین به تهران بیایم و در یک بیمارستان شیفت شب و در مقابل ۶ تومان با این هزینه گران، زندگی کنم. خواهش می‌کنم که شرح حال مراد روزنامه بنویسید. ولی اسم مرا ننویسید، چون زن و بچه

اقدامات هیئت هفت نفری در مردآباد

از فره‌سو، که در شمال شرقی مردآباد قرار دارد، میتوان تمام زمینها را آبباری کرد. باید هیئت دارای اختیارات کافی باشد و همکاری جهاد سازندگی و همیاری خوددهقانان بطور جمعی این مسئله را حل کنند. اجرای قانون اصلاحات ارضی بسودهقانان تهیدسته خود ما بیه‌مسرت و شاد نیست و مسرت بخاطر، تقویت و تحکیم انقلاب. "انتخاب احسن" بشکل حفظ مالکیت مشاع و تشویق و ترغیب روستائیان به کار جمعی و تعاونی نیز اقدامات درست زیرا بطور حتم اولاً بازده کاری که جمع میدهد، بمراتب

هیئت هفت نفری واگذاری زمین، که در روستای مردآباد از توابع کرج، کار خود را انجام میدهد. اراضی مادر شاه ملعون را به کشاورزان واگذار کرده است. هیئت ۴۰۰ هکتار زمین را بصورت مشاع به دهقانان داده است که به هر ۱۵ نفر، ۱۰ هکتار میرسد. این هیئت از میان خود یک نماینده انتخاب می‌کنند. نمایندگان مسئولیت اداره زمین را بعهده می‌گیرند. بابت شخم زمین و بذر نیز از هر دهقان ۶۰۰ تومان وصول می‌شود. بنابراین، صل‌تعاونی کار بر روی مالکیت مشاع، اساس فعالیت مثبت و انقلابی هیئت قرار گرفته است. مشکلی که هم اکنون روستائیان در بختی از اراضی آن روبرو هستند، کمبود و حتی فقدان آب جهت آبیاری است. هیئت هنوز در این مورد مسئولیت تا من آب را تقبل نکرده است. در نتیجه عده‌ای که توان کاشت را دارند از ترس بی‌آبی، از کشت گندم خودداری می‌کنند. در صورتی که با لایروبی و کانال کشی

جاده می‌خواهیم و یک دنیا سپاسگزاریم

کشاورزی از آن بکنند انجام می‌گیرد و با در زمستان غیر-قابل استفاده میشود. به همین جهت زیان جبران ناپذیری متوجه ما میشود. بدینوسیله از جهاد محترم سازندگی تقاضا داریم. برای پیشرفت امور کشاورزی و کمک به روستائیان این منطقه، عنایت در تعمیر و مرمت جاده بی‌سردهشت اقدام مورد لزوم را بفرمائید. یک دنیا سپاسگزاریم. زارعیسن فراش محله".

روستائیان روستای نجف-آباد فراش محله به شهر، طی نامه‌ای به جهاد سازندگی شهرستان به شهر، از این جهاد خواسته‌اند که، بمنظور کمک به پیشرفت امور کشاورزی و کشاورزان منطقه، جاده را تعمیر و مرمت کنند. آنان در نامه خود نوشته‌اند: "... اینجانبان کشاورزان فراش محله به شهر، که در مسیر جاده بی‌سردهشت فراش محله زمین داریم و کشاورزی می‌کنیم، در اثر نداشتن راه، عبور و مرور و سایر نقلیه

من هنوز در روستا هستند و آنها به خانه ما حمله میکنند و زن و بچه‌ام را می‌زنند. من فقط از حکومت جمهوری اسلامی این را میخواهم. به رهبری ما خمینی اعتقاد دارم و او میدویم که بعضی‌ها از نام ما سوء استفاده نکنند." این بود حاصل گفتگوی یک روستائی از روستای چالبه کنده با خبرنگار نامه "مردم"، روستائیان زحمتکش که سالیان سال تحت ظلم و ستم بزرگ مالکان قرار داشتند، میخواهند از جنگال زورگویان مسلح و چاقو داران قلندر بهائی یا بنند، اینک که انقلاب مصمم است. ریشه این غارتگران را بخشکاند و بدین خاطر نیز تقاضای اصلاحات ارضی را بسودهقانان به اجرا درمی‌آورد. لازم است که در روستاها نظم و امنیت برقرار شود، جلوی زورگویی و ظلم گرفته شود. قانون و مقررات قانونی محترم شمرده شود، آن نظم و امنیتی که در جهت حفظ منافع دهقانان تهیدست باشد، آن نظم و امنیتی که زورگویان و مدافعان غارتگران و چاقوگران را بر جای خود نشاند، آن نظم و امنیتی که زمینه را برای کار و تولید هر چه بیشتر روستائیان زحمتکش فراهم آورد، استقرار یابد. آری، نظم و امنیت تنها باید در نگهبانی از منافع تهیدستان تجلی یابد. حکومت باید حکومت مستضعفان باشد. دهقانان زحمتکش تنها در این صورت آزادی واقعی را باز خواهند یافت.

بیشتر از کار فردی است و شایسته برای جمع امکان استفاده از وسایل و امکانات مدرن برای کشت زمین بیشتر است. بنا بر این باید در هر جا که این امکان هست و با در نظر گرفتن شرایط، چه بهتر که دهقانان را بسوی کار تعاونی هدایت کرد و مزایای کار تعاونی را برای آنان توضیح داد و دهقانان را قانع و مطمئن ساخت که حاصل کارشان به خود آنان تعلق می‌گیرد. سازمانهای مسئول دولتی و نهادهای انقلابی باید به این دهقانان از هر بار کمک کنند. مسرودآباد باید هر چه زودتر آب مورد نیاز کار روستائیان فراهم گردد، تا آنها بتوانند با خاطر آسوده به افزایش تولید بپردازند. برتری کار جمعی و نظام تعاونی و مالکیت مشاع را بر کار مزدوری نزد مادر شاه ملعون و بزرگ مالکی سرمایه‌داری ثابت کنند و برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و هم میهنان خویش محصول هر چه بیشتری بدست آورند.

عکسها سخن می‌گویند:

چهارتن از آن میلیونها دهقان بی‌زمین و کم‌زمین که در انتظار اجرای کامل و فوری قانون اصلاحات ارضی هستند، تا انقلاب تحکیم یابد و «جهاد کشاورزی» برای تقویت جمهوری اسلامی ایران آغاز شود.



آقاخان، دهقان خراسانی در روستای کلاته میرزائی. بجنورد زندگی می‌کند. هنوز سایه شوم ارباب برده سنگینی می‌کند. آغل گوسفند را هم عمال ارباب خراب کرده‌اند. آقاخان را آزاد کنید. به او زمین بدهید!

محمدرضا، دهقان کم‌زمینی است که در روستای حصار شهرستان درگز زندگی می‌کند. به او خانواده‌اش باید زمین کافی داد و تمام بندهای قانون را بی‌کم و کاست اجرا کرد، تا بتواند از ثمرات انقلاب بهره‌برد.



علی‌بخشی، دهقان کم‌زمینی است که در کرانی سفلی بخش درو فرامان- کرمانشاهان زندگی می‌کند. او فقط دو جفت زمین دارد و با چهار فرزند و ۵۷ سال سن انتظار دارد که قانون انقلاب بی‌کم و کاست اجرا شود، تا دهقانان بتوانند با دل و جان برای میهن انقلابی خود کار کنند.

غلامحسین، خوش-نشینی است که در دشت کرگان کار میکند و اصلاً زمین ندارد. او نمونه‌ای از زندگی تهی‌دستان روستایی در یکی از غنی‌ترین مناطق کشاورزی میهن ماست. غلامحسین می‌گوید: "از انقلاب انتظار زمین دارم. تا بتوانم دین خود را به انقلاب ادا کنم"



امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس داری زمین‌های بزرگ نمیشود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار میگیرند.

کارنامه ۱۸ ماهه سیاست خارجی لیبرال ها (۲) ...

بقیه از صفحه ۳

مصاحبه مطبوعاتی، تکذیب بازداشت شاه را تکذیب کرد و سپس اعلام نمود که: "این خبر دقیق و قطعی است و دیر یا زود همه آن را باور خواهند کرد."

وی سپس افزود: "کمترین تردیدی در تشخیص صدای رئیس جمهوری پاناما ندارد." دولت پاناما، همان روز بار دیگر خبر را تکذیب کرد!

ماریو پانترو، دبیر کل فدراسیون دانشجویان پاناما، در یک گفتگوی تلفنی در ۵ بهمن ماه ۵۸ گفت که: خبر دستگیری شاه را از یونایتد پرس شنیده است، که یونایتد پرس نیز خبر را از تهران دریافت کرده است! او افزود که، مردم پاناما شدیداً به اقامت شاه در پاناما معترضند و از دولت می‌خواهند که بعد از رسیدن اسناد جنایات شاه از ایران، او را به مردم ایران تحویل دهد و در پایان پرسید:

"چرا دولت ایران هنوز اسناد جنایات شاه را به پاناما نفرستاده است؟"

قطب‌زاده پس از آگاهی از افشای جعلی بودن خبر، طی یک مصاحبه تلویزیونی، اعلام کرد که: "اشتباه از کارکنان وزارت امور خارجه بوده است که، در غیاب وی خبر را خودسرانه منتشر کرده‌اند!"

در این میان شاه مخلوع در ۵ فروردین ۵۹ از پاناما به مصر رفت و "اسناد جنایات" وی نیز فردای آن روز به پاناما رسید!

توطئه «کمیسون تحقیق»

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران تسلط لیبرال‌ها، نه تنها به سیاست خارجی انقلاب ضد امپریالیسم، که درگیر جنگی حاد و آشتی‌ناپذیر با امپریالیسم آمریکا و متحدان و سرسپردگان آن است، شباهت نداشت، بلکه بیشتر به دنباله‌رو و تابع سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا شبیه بود. یکی از نمونه‌های بارز این شباهت، توطئه «کمیسون تحقیق سازمان ملل متحد» است.

پس از تسخیر لانه جاسوسی ایران در دوران تسلط لیبرال‌ها، نه تنها به سیاست خارجی انقلاب ضد امپریالیسم، که درگیر جنگی حاد و آشتی‌ناپذیر با امپریالیسم آمریکا و متحدان و سرسپردگان آن است، شباهت نداشت، بلکه بیشتر به دنباله‌رو و تابع سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا شبیه بود. یکی از نمونه‌های بارز این شباهت، توطئه «کمیسون تحقیق سازمان ملل متحد» است. پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و نیروهای انقلابی ایران به پشتیبانی قاطع از این اقدام ضدامپریالیستی برخاستند و آزادی «گروگان‌های» جاسوس را در گزو استرداد شاه خائن و جنایتکار و اموال غارتی مردم ایران اعلام کردند. اما امپریالیسم آمریکا، که به هیچ‌وجه حاضر نبود به جمهوری اسلامی ایران چون کشوری مستقل برخورد کند، با توسل به توطئه‌های رنگارنگ می‌کوشید، تا دوران استیلای جابران و غارت بی‌بندوبار گذشته را تجدید کند، هم‌زمان با تدارک توطئه براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران، بر فشار خود برای آزاد کردن بدون قید و شرط جاسوسان یعنی بدون برآوردن خواسته‌های برحق مردم ایران، افزود. امپریالیسم آمریکا، عوامل داخلی آن و لیبرال‌ها - که اصولاً با تسخیر لانه جاسوسی مخالف بودند - تمامی تلاش خود را برای به تسلیم واداشتن پیروان خط امام، که به‌درستی آزاد کردن «گروگان‌ها»ی جاسوس را، بدون تأمین شرایط ایران، تسلیم به امپریالیسم آمریکا می‌دانستند، به کار بردند.

وزارت امور خارجه قطب‌زاده، که به هیچ‌وجه نسبت به توطئه‌ها و تدارکات نظامی کسرده امپریالیسم

"به اعتقاد من، این آقایان (بنی صدر و قطب‌زاده) در نهایت حسن نیت و منتهای کوششی برای حل این مشکل سعی می‌کنند." (نامه مردم، ۲۵ اسفند ۱۳۵۸، به نقل از خبرگزاری‌ها)

قطب‌زاده: نظر من به کارتر نظر مثبتی است!

در پی شکست توطئه «کمیسون تحقیق» امپریالیست‌های آمریکایی آشکارا به تهدید روی آوردند و بر تدارکات نظامی خود در منطقه افزودند. حتی هودینگ کارتر گفت که وی امکان استعاده از نیروی نظامی علیه ایران را رد نکرده است. اما قطب‌زاده افکار عمومی را به‌جانب دیگری متوجه می‌ساخت.

قطب‌زاده بار دیگر تلاش کرد تا «گروگان‌ها» را آزاد کند. وی از امام خمینی خواست که درقبال ممانعت از سفر شاه به مصر و تکه داشتن آن در پاناما (!) جاسوسان را آزاد کند! او در مصاحبه با روزنامه «کیهان» در تاریخ ۶ فروردین ۵۹ گفت:

"ساعت ۲ بعد از نیمه شب، من در مصاحبه با چندتن از خبرنگاران اعلام کردم، اگر شاه مخلوع را برگردانند به پاناما، ما گروگان‌ها را تحویل می‌دهیم." اما این تلاش نیز، بر اثر مخالفت امام خمینی، موفق نشد.

قطب‌زاده درست در اوج تکوین و تدارک توطئه تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا، نامه‌ای از کارتر به امام خمینی تسلیم کرد و خود در مورد کارتر گفت:

"نظرم نسبت به کارتر، نظر مثبتی است." (کنفرانس مطبوعاتی، ۱۵ فروردین ۵۹).

و این درست زمانی بود که مردم ایران و رهبر انقلاب، کارتر را جنایتکار می‌خواندند. وی قبلاً نیز به وزارت امور خارجه، خوش‌دینت و عزت‌انوار امر خارجه، نامه‌ای از ادوارد کندی، نامزد ریاست جمهور آمریکا، به امام خمینی تسلیم کرده بود، که در آن ادوارد کندی، سالوسانه خود را "قذافی امام خمینی" و مبارز را "کارگران" نامیده بود!

در نامه کارتر به امام خمینی گفته می‌شد: "مزیت بزرگ دموکراسی آمریکایی این است که همیشه توانسته است اشتباهات خود را شناسایی و یا آن را محکوم کند... اجازه می‌خواهم جسارتاً اعلام دارم که به نظر من (کارتر) زمان و دشمنان واقعی نظام‌های سیاسی مربوطه، به زبان ما مشمولند." (۱۵ فروردین ۵۹، روزنامه‌ها).

قطب‌زاده همچنین دو نامه دیگر از جانب کارتر به رئیس جمهوری اسلامی ایران داد، که لحن آن‌ها به کلی با لحن نامه کارتر به امام خمینی تفاوت داشته و تهدیدآمیز بوده‌اند.

قطب‌زاده خود در آستانه انجام توطئه خطرناک امپریالیسم آمریکا در تاریخ ۱۵ فروردین ماه ۵۹، در یک میزگرد تلویزیونی شرکت کرد و به اتحاد شوروی تاخت و او را در مورد تمامی تهدیدات امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مقرر اعلام کرد و گفت:

"حضور شوروی توجیه‌کننده حضور آمریکا است. عملاً به آمریکا کمک کرده‌اند."

در جهان سوسیالیسم

در پنج سال گذشته ۲۷ درصد کل سرمایه‌گذاران بهای اتحاد شوروی در کشاورزی بوده است

درآمد ملی اتحاد شوروی در دوران برنامه پنج ساله دهم، در مقایسه با برنامه پنجساله نهم، ۴۰۰ هزار میلیون روبل افزایش یافته این افزایش برای تولید صنعتی ۷۱۷ هزار میلیون روبل و برای تولید کشاورزی ۵۰ هزار میلیون روبل بود. چهار پنجم درآمد ملی اتحاد شوروی بسمت صرف، خانه سازی و امور اجتماعی و فرهنگی اختصاص داده شد.

در دوران برنامه پنجساله دهم سرمایه‌گذاری در اقتصاد بالغ بر ۶۳۵ هزار میلیون روبل گردید و ۱۲۰ واحد صنعتی شروع بکار کردند. در این مدت، تولید کالاهای مصرفی ۲۱ درصد افزایش یافت.

دولت اتحاد شوروی در چارچوب برنامه پنجساله دهم ۱۷۰ هزار میلیون روبل در کشاورزی سرمایه‌گذاری کرد؛ که ۲۷ درصد مجموع سرمایه‌گذاری را در اقتصاد ملی تشکیل می‌دهد. در این مدت بخش کشاورزی ۱۸۰۰۰۰۰ تراکتور، بیش از ۱۳۰۰۰۰۰ گاومیس، در حدود ۵۴۰۰۰۰۰ کمباین و نزدیک به ۴۰۰ میلیون تن کود کانی دریافت داشت. برای نخستین بار، میانگین سالانه محصول غلات در عرض برنام پنجساله از مرز ۲۰۰ میلیون تن گذشت.

در جهان سرمایه‌داری

برده‌فروشان قرن بیستم

در ایالات متحده آمریکا خرید و فروش بردگان به‌سبک سده‌های گذشته بار دیگر رونق گرفته است. دلان، هزاران مکزیک و السالوادوری را بطور غیرقانونی از مرزهای آمریکا و مکزیک عبور می‌دهند و آنها را قیمت میانگین ۲۵۰ دلار بعنوان نیروی کار در اختیار "قارمرهای آمریکایی" قرار می‌دهند. در گزارشی، که جندی بیش در "فرانکفورت روند شائو" (جمهوری فدرال آلمان) در این باره انتشار یافت، در این باره گفته‌شود که، تعداد سال ۱۹۷۹ ۲۱۱۰۰۰ مورد دادوستد بردگان فاش گردیده است.

برده‌فروشان به بیگانگان مکزیک و السالوادور وعده می‌دهند که، در صورت عزیمت به ایالات متحده، از دستمزدهای گزافی بهره‌مند خواهند شد، ولی بمجرد ورود آنها به آمریکا، اغلب بزور، به آنها می‌فهمانند که حداقل هزینه سفر خود را "مدیون" آنها هستند. بدین ترتیب بردگان قرن بیستم مجبور میشوند که در گوجه‌فروشی‌های آرکانزاس بنیسه‌زارهای تک‌زاس شمالی و باغات مرکبات فلوریدا به استثمار غیرانسانی خود از سوی سرمایه‌داران ایالات متحده تن در دهند.

بنوشته "فرانکفورت روند شائو"، "اگلسباز کوش برای فرار با اسلحه جلوگیری میشود". کارگر خارجی بمحض آنکه توانست "دیون" خود را بپردازد، سه ارباب دیگری فروخته میشود.

"فرانکفورت روند شائو" از نمونه‌ای یاد میکند که دو کارگر در زنجیر "ماحب" خود بسر می‌برند. بنوشته این روزنامه، گزارش دیگر در نیویورک تایمز حاکی از آنست که "مستولان (محلی) در بررسی (اینگونه) موارد برده‌فروشی) اهمال می‌ورزند". "فرانکفورت روند شائو" می‌افزاید که "ظاهراً توطئه‌های مرموزی" باید در کار باشد.

در مطبوعات کسور

هجوم سپاه سرمایه‌داری

در همین جنبه جنگ با دولت عراق، کمترین غرور و غفلت ممکن است سرنوشت صحنه‌های نبرد را تغییر دهد. اهمیت پیروزی در جنگ وقتی چند برابر می‌شود که می‌بینیم سرمایه‌داران بزرگ و مترقی‌ترین جیاولگر نیز از پشت جنبه اعلام جنگ داده‌اند. البته این را بعضی آشکار بیان کرده‌اند و بسیاری نیز پنهان عمل می‌کنند! و نباید چنین پنداشت که اعلام جنگ فقط از سوی معدودی سرمایه‌دار غارتگر صورت می‌گیرد و بقیه آنها جان‌نثار دولت اعلام‌اند. اینهم غرور و ساده‌اندیشی است. اسبها عملاً جنبه بازگردانند و این جنبه‌ها بدون تردید با جنبه جنگ ایران و عراق ارتباط دارد. هر پیروزی در جنبه اصلی (جنگ) ضرر است. ایست همگین برینگر ضد انقلاب پشت جنبه و هر یکت سز عقوبت و تشددی است برای عمق و وسع یافتن تلاش‌های آنان...

اکتون مادر هر سه جنبه زور و زور و تزویر با مارهائی زهر آکین مواجهم نه‌ملی کردن صنایع و تجارت خارجی و پشتیبانی مستضعفین از انقلاب باید مارا به غفلت و رخوت و غرور و ساده‌اندیشی و ادار که سرمایه‌داران جیاول جی بدتر از مار و زهر مار رادر توبره گرم خویش به‌حال خود رها کنیم تا امروز به خود اجازه امکان مانور و نمایش قدرت بدهند و نه متوقف کردن ارتش متجاوز عراق و حتی پیروزی‌های موضعی ما بر آنان باید ما را به غفلت و غرور و فراغت و ادار... اگر چنین کنیم، قطعاً نه فقط پیروزی‌های ما که تا همین جا در هر دو عرصه‌هاست آورده‌ایم، از کف خواهیم داد بلکه سختی نیز شکست خواهیم خورد. نه در این جنبه و نه در آن جنبه، در هیچکدام نباید غافل نشست و سرمست از پیروزی‌های غفلت‌آفرین ماره‌های خفته از سرما را فراموش کرد و خود را شکست‌ناپذیر دانست.

(اطلاعات - ۱۳۵۹/۱۰/۲۱)

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

ضرورت تغییرات اساسی در سیستم ارسال ارز دانشجویی

برسنامه‌های ارز دانشجویی به خانواده‌های دانشجویان ایرانی مقیم خارج تسلیم شده، تا پس از بازگرداندن آن در موعد مقرر ۲۰۰۰ بهمن ۵۹ بوضع دانشجویان مقیم کشورهای خارج رسیدگی شود و نسبت به ارسال ارز تحصیلی برای آنان تصمیم مقتضی، براساس ضوابط جدید، اتخاذ گردد.

وزیر علوم و آموزش عالی، درصاحبه اختصاصی خود یا روزنامه جمهوری اسلامی، به موارد افراط‌کاریها و بی‌رویه‌گیهای که تاکنون در سیستم ارسال ارز دانشجویی وجود داشته، اشاره کرده و متذکر شد است که:

- مقدار ارزی که خارج میشده، برای يك دانشجو زیاده بوده... و گاه تا دو برابر و بیشتر از احتیاج یک نفر بوده است.

- کسانی از این ارز استفاده میکردند که گاه درصرف مخالف انقلاب بودند!

- برای کسانی ارز ارسال میشده که قصد مراجعت به مین خود را نداشته‌اند!

- برخی از دریافت‌کنندگان ارز دانشجویی یا جواهر فروشند و یا راننده تاکسی و یابانکه درصرف ضدانقلاب مشغول فعالیت‌اند!

- برخی از دریافت‌کنندگان ارز دانشجویی، اصلا دانشجوی نیستند و با گرفتن چند واحد درسی، در دانشگاهی ثبت‌نام میکنند و بعد از مردود شدن در همین چند واحد، مجددا ثبت‌نام میکنند و بدین طریق ۱۵-۱۶ سال ارز دریافت کرده‌اند، بی‌آنکه درسی بخوانند و مدرک بگیرند.

آنچه وزیر علوم و آموزش عالی در مورد وجود نقائص جدی در سیستم ارسال ارز دانشجویی

بیان داشته، عین حقیقت است و باید بطور جدی مورد توجه قرار گیرد.

یاد گفت که میلیاردها ارز کشور، که متعلق به محرومان جامعه است، برای کسانی ارسال میشده، که هیچ‌چیز استحقاق دریافت آنرا نداشته‌اند و با کمال تأسف، علیرغم انتقادهای اصولی، تا دو سال پس از انقلاب، این رویه همچنان ادامه یافته است.

نامه «مردم» بدقوات، نظرات خود را در این باره با صراحت بیان کرده است. ما نوشتیم که وجود چند صد هزار دانشجو در کشورهای اروپای غربی و امریکا منطبق با اهداف مردمی انقلاب ما نیست، که باید منابع ارزی خود را دقیقاً و با رعایت حداکثر صرفه، برای سرمایه‌گذاریهای مفید صنعتی، کشاورزی، عمرانی بکار اندازد و نیروی انسانی متخصص و ماهر را پرورش دهد. ما پیشنهاد کردیم که جز در

صورت ضرورت و در مورد آن رشته‌هایی که در ایران وجود ندارد، نباید دانشجو به خارج بفرستیم و تمام امکانات مالی و ارزی خود را باید برای گسترش شبکه دانشگاهی و مدارس تخصصی و حرفه‌ای بکار اندازیم. ما نوشتیم که میزان ارز تحصیلی بیش از نیازهای يك دانشجویست و باید این مبلغ متناسب با يك زندگی توأم با قناعت دانشجویی تعیین گردد و نه بیش از آن. ما نوشتیم که سفارتخانه‌های ما در خارج، در دوران پس از پیروزی انقلاب، وظیفه داشته‌اند که به پرونده کلیه دانشجویان ایرانی مقیم خارج، تعلق خانوادگی‌شان، نظرات و معتقدات و فعالیت‌سیاسی‌شان رسیدگی کنند و فرزندان خانواده‌های طاعوتی و خائنین به کشور را از لیست دریافت‌کنندگان ارز خارج نمایند، زیرا ثروت‌های غارتی‌شان و پول‌تند و جواهر و طلا و ارز و عتیقه‌های که بهنگام فرار از کشور

با خود برده‌اند، برایشان کافی است. ما نوشتیم که عدمای از افراد ضدانقلابی، به‌بهانه تحصیل و بطلم دریافت ارز تحصیلی و گذران معاش، حتی در دوران جنگ و بسته شدن مرزها، بنام دانشجو از کشور خارج شده‌اند و هم امروز برایشان هنوز ارز ارسال میشود. ما پیشنهاد کردیم که فقط به کسانی ارز پرداخت شود، که رشته تحصیلی‌شان مورد نیاز کشور، خودشان مومن به انقلاب باشند و قصد خدمت به این مردم محروم را در سر داشته باشند، زیرا عادلانه نیست که با ثروت این خلق زحمتکش بی‌بهره از نعم، بچه‌گرگ پرورش دهیم.

اکنون توضیحات آقای دکتر عارفی، وزیر علوم و آموزش عالی، صحت نظرات و پیشنهادهای ما را اثبات میکند و این امید را باور میسازد که در سیستم ارسال ارز دانشجویی دگرگونیهای اساسی بعمل آید: نام کلیه افراد ضدانقلابی، فرزندان فراری‌ها، بیکارها و درس‌نخوان‌ها و جواهر فروشها و قالی فروشها و رانندگان تاکسی و غیره، از فهرست دریافت‌کنندگان ارز تحصیلی حذف شود؛ میزان ارز تحصیلی دقیقاً منطبق با حداقل هزینه زندگی در کشور مربوطه برای يك دانشجو باشد و کلیه دریافت‌کنندگان ارز متعهد به بازگشت به کشور شوند.

انقلاب به هر دلاز ارز کشور نیاز حیاتی، دارد. نباید اجازه داد که این ارز گران‌بایه بوده به‌هدر رود.

برای مقابله با توطئه‌های...

بقیه از صفحه ۱

در روزهای اخیر هیئت‌های نمایندگی مختلف آمریکا از کشورهای خاور نزدیک و میانه دیدن میکنند. هدف همه این مسافرتها، تشکیل پیمان نظامی جدید از کشورهای وابسته منطقه، تقویت و گسترش نیروهای نظامی دریایی و هوایی و زمینی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، تقویت پایگاههای نظامی آمریکا در کشورهای وابسته منطقه و ایجاد شرایط و زمینه‌ساز برای عملیات چنگی گسترده در این منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری است.

بدون تردید کیستجو وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، که در دولت جدید کانسفید، از نو نقش سیاسی فعالی را خواهد داشت، در جریان سفر خود به کشورهای این منطقه، که از سوماالی آغاز گردید و در بیت المقدس پایان یافت، با سران رژیمهای ضد خلقی این کشورها، این مسائل را بررسی کرده است.

تجاوز روز افزون صهیونیستهای اسرائیل به جنوب لبنان و تهدید نظامی اردن علیه سوریه و تمرکز نیروهای مسلح اردن در مرز با سوریه، که هدفش بازداشتن سوریه از مقاومت در برابر تجاوز اسرائیل در جنوب لبنان و یاری رساندن به سازمان آزادیبخش فلسطین است، حلقه دیگری از توطئه‌های نظامی امپریالیسم آمریکا برای ایجاد تشنج و کانون درگیریهای مسلحانه در این منطقه است. تأیید توسط رژیمه سلطنتی برای تجاوز نظامی مستقیم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم شود.

ادامه چنگ تجاوز کارانه تحمیلی دارودسته جنایتکار صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران - و در همان حال شکست هدف اصلی نظامی و سیاسی این تجاوز - از زمینه‌های دیگر است که آمریکا را در اقدام بمداخله نظامی در ایران ترغیب میکنند.

بدین ترتیب، صف آرائی مشخص مرکب از نیروهای مسلح آمریکا، دولت صهیونیستی اسرائیل و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا: مصر، اردن، عربستان سعودی، عراق و عمان و پاکستان و... در برابر جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری در منطقه، پدید آمده است.

در چنین شرایط خطرناکی، جمهوری اسلامی ایران، که آماج اصلی تجاوز نظامی مستقیم آمریکا و دستیاران منطقه‌ای آن قرار گرفته، بخاطر دفاع از انقلاب و موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران، موظف است که روابط خود را با کشورهای عضو جبهه پایداری در همه زمینه‌ها گسترش دهد و این روابط را به عامل موثری تبدیل سازد که بازدارنده اجرای طرح تجاوز نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران باشد.

مسافرت چندی قبل حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، به کشورهای عضو جبهه پایداری (الجزایر، سوریه، لیبی) و همچنین لبنان، که آغاز فصل توفی در روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو این جبهه بوده، نشان داد که در سیاست خارجی ایران در رابطه با کشورهای عضو جبهه پایداری نارسائیا و خطاهای جدی وجود داشته، که به‌زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تمام شده است. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد آمادگی این کشورها برای همکاری با جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: «رهبران کشورهای الجزایر، لیبی و سوریه فکر میکردند که هرگونه حمایتی برای دوام این انقلاب باید بشود و آمادگی داشتند که یا ما هرگونه همکاری استراتژیک و فاکتیکی داشته باشیم».

پاسخ شرکت مخابرات ایران به «نامه مردم»

اداره کل اطلاعات و انتشارات روابط عمومی شرکت مخابرات ایران در پاسخ به مطلب نامه «مردم» زیر عنوان «حقوق مستضعفین یکی از اهداف اصلی انقلاب است» مندرج در شماره ۲۸۶ نامه مردم مورخ ۵۹۹۱۳۱۴ نامه‌ای نگاشته است که در زیر عیناً درج میگردد:

اداره روزنامه گرامی مردم بازگشت بشرحی که در شماره ۲۸۶ - ۵۹۹۱۳۱۳ آن روزنامه با عنوان «حقوق مستضعفین یکی از هدف‌های اصلی انقلاب است» درج گردیده بود مراتب زیر به آگاهی میرسد:

۱- آقای علیچان گریوانی نگیان شرکت راسر، بیاتکاز مخابرات آزاد شهر بوده که بخاطر عدم انجام تعهدات خود از آن شرکت خلع ید بعمل آمده ولی آقای گریوانی که در محوطه ساختمان در دست احداث سکونت داشته پس از انجام تشریفات خلع ید نیز کماکان در محل باقی مانده است.

۲- با اینحال به منظور رفاه حال آقای گریوانی اقدامات لازم در جهت کسب مجوز مورد نیاز از مقامات شرکت بعمل آمد و با پرداخت مطالبات ایشان براساس حداقل دستمزد تعیین شده از سوی اداره کار کتیب موافقت گردید و بر همین اساس نیز طی سند شماره ۵۹۲۲۲۰۵۸ و چک شماره ۴۱۶۹۰۴ پس از حذف کسورات مبلغ ۱۱۸۹۹۴ ریال به آقای گریوانی پرداخت شد. بدیهی است که بقیه مطالبات ایشان (ب) باقیمانده) پس از دریافت موافقت قطعی تادیبه خواهد گردید.

بنابراین ملاحظه میفرمایند که اولاً ایشان در استخدام شرکت مخابرات نبوده و نگیان شرکت راسر بوده‌اند و بعد شرکت مخابرات ایران در جهت استیقای حقوق ایشان خیلی قبل از آنکه موضوع در آن روزنامه مطرح گردد اقدامات لازم را بعمل آورده است.

اداره کل اطلاعات و انتشارات و روابط عمومی نامه «مردم» - از اینکه شرکت مخابرات ایران اقدام لازم را بمنظور رفاه حال آقای گریوانی بعمل آورده است، خوشحالم. بدین تردید اگر تمام سازمانهای دولتی بوقع در مورد احقاق حقوق مستضعفین اقدام کنند، انقلاب ما، که انقلاب مستضعفین است، تحکیم خواهد شد.

م. الف از لشتنشاء
یک حجت گوشواره
دوست عزیز احمد - هدیه شما رسید.

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش ربه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ پانته‌مان ایران (شعبه دهخدا)، چ. خ. شیبید دکتر حسین فتمس بیردازنده

کشورهای عضو جبهه پایداری (لیبی، سوریه، الجزایر، سازمان آزادیبخش فلسطین و جمهوری دمکراتیک خلق یمن) از همان آغاز به پشتیبانی قاطع از انقلاب ایران برخاستند و برای گسترش روابط خویش با جمهوری اسلامی ایران و کمک به انقلاب ایران برای مقابله با امپریالیسم آمریکا، دست یاری به‌سوی آن دراز کردند و تمامی امکانات خود را به جمهوری اسلامی ایران عرضه داشتند. اما متأسفانه در برابر این پشتیبانی و ابراز آمادگی برای همکاری از جانب کشورهای عضو این جبهه، طراحان و مجریان لیبرال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، از هیچ‌کوششی برای کردن انقلاب ایران در زمین کشورهای و نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست فروگذار نکردند.

اینک که فصل توفی در مناسبات ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری و بطور کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در شناخت واقع‌بینانه دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آغاز گردیده، و با توجه به شرایط بفرنجی خطرناکی که در نتیجه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و طرحهای تجاوز نظامی آن علیه جمهوری اسلامی ایران پدید آمده، منافع انقلاب و دفاع از موجودیت جمهوری اسلامی ایران ایجاب میکند که تدابیر مشخص و عاجلی در زمینه ایجاد يك اتحاد گسترده، که دربرگیرنده جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری و دیگر نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی در منطقه باشد، اتخاذ گردد. چنین اتحادی میتواند تمام فعالیت‌های سیاسی و همکاری‌های همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری را در همه زمینه‌ها هم‌آهنگ سازد و به انسجام و شکل‌یافتن جبهه متحد ضد امپریالیستی در این منطقه مساعدت کند. با ایجاد چنین اتحادی میتوان در برابر توطئه‌ها و طرحهای مداخله‌نظامی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری، بهتر و موثرتر ایستادگی کرد. اجرای این توطئه‌ها را عقیم گذارد و طرحهای مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا را محکوم به شکست نمود. کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین، که خود نیز درگیر بیکار علیه امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل هستند، در شرایط افزایش توطئه‌های رژیمهای ضد خلقی منطقه و گسترش و تقویت نیروهای مسلح آمریکا در منطقه، که موجودیت و استقلال آنها را تهدید میکند، بدون تردید اهمیت ایجاد چنین اتحادی را عمیقاً درک میکنند و چنانکه بارها روی این مطلب تأکید داشته‌اند، برای همه‌گونه همکاری با جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌ها آمادگی کامل دارند. آنها مسلماً پیشنهاد تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیستی در منطقه را با آغوش باز استقبال خواهند کرد. منافع انقلاب و دفاع از موجودیت جمهوری اسلامی ایران در این لحظات سرنوشت‌ساز حکم میکند که مسئولان جمهوری اسلامی ایران با روشن بینی و قاطعیت انقلابی، در این زمینه تدابیر لازم را اتخاذ کنند و به اقدامات مشخص بپردازند.

تصحیح

در صفحه ۶ نامه «مردم»، شماره ۴۲۱، در پایان مقاله «در باره» تناسب نیروها در عرصه جهانی، نکته‌ها و طنزهای وسط از نامه «مردم» است، غلط و دتکیه‌ها و تیرهای وسط از نامه «مردم» است، صحیح است.

کجا بودی ای کاروان امید؟
کهمری دلم انتظارت کشید

«سایه»

کاروان امید

(ارمغان به حزب توده ایران)

ای رهسپران پارکامهسپر
ای پرده‌بران سحر اهریمن
در مقدمتان فشانده‌تر بادا
گلخنه پر سپاس مرد و زن
کاندر رهتان به شوق افشانده
این راه دراز را نهایت نیست
وین کوره همی شود فروزان‌تر
ای بلبل نکتهدان خوش آواز!
ای مژده‌سرای روز رخشان‌تر
این خلق بتو امیدها دارد.

پنمای ره نبرد را بر من
بپذیر مرا به سلاک یارانت
در دل نبود مرا جز این امید
کز پرتو رهگشای ایمانت:
شایسته نام «توده‌ای» گردم.
بدخواه ترا مجال افسون نیست
امید ستمگران رود بر باد
تو شاد شوی و خصم نافرجام
یا شوق زدل برآورم فریاد
چون می‌شوم پیامت از «مردم»
در هسمة تلاش هستی‌ساز
در خامشی بزرگ کوهستان
در سینه هر جوان ایرانی
بپیچد به شکوه و شور بی پایان
آوازه حزب توده ایران.
رتوف - رشت - آبان ۵۹

نظام آباد محله‌ای فراموش شده در سنندج

نظام آباد (کورآباد) یکی از محله‌های فقیرترین سنندج است، که از حداقل امکانات و نیازهای اولیه زندگی محروم است. پنج هزار نفر جمعیت این محله بیشتر از رانده‌شدگان دهات کردستان هستند که بر اثر اجرای به اصطلاح اصلاحات ارضی شاه‌مملوک، به شهرها روی آوردند و متأسفانه در سنندج با مشکلات و مراتب بدتری روبرو شدند. در این محله حتی یک درمانگاه وجود ندارد و کوچ‌ها ملو از زباله و فضولاتی است، که منشاء شیوع انواع بیماری‌هاست.

در نظام آباد بیشتر خانه‌ها گلی و فرسوده‌اند و با کوچکترین بارندگی و لرزش زمین فرومی‌ریزند و ساکنین نظام آباد با برآبی مداوم روبرو هستند، که این کیسود باعث زدن چاه‌ها و استفاده از آب‌های غیر بهداشتی شده است، که بسیار خطرناکند. اهالی این محله به علت نداشتن اتحاد عمل، تاکنون موفق به طرح مشکلاتشان نزد مقامات مسئول نشده‌اند. اما آنها در انتظار مسئولان دولت انقلابند، که به این محله فقیرترین سری بزینند و به خواستهای بحق اهالی زحمتکش ساکن آن رسیدگی کنند.

ما نیز از مقامات مسئول خواهانیم که هرچه زودتر به خواستهای اساسی محله نظام آباد شهرستان سنندج رسیدگی کنند.

گسترش خدمات بهداشتی در جمهوری سوسیالیستی ویتنام

بموجب آماری، که چندی پیش در یکی از کنفرانس‌های پزشکی ویتنام اعلام شد، اینک ۹۴۷ گروه کار در بخش بهداشتی و بهداشتی این کشور از عنوان افتخاری «گروه کار سوسیالیستی» برخوردارند. مسابقه برای دستیابی باین عنوان، کوشش‌های بی‌سابقه‌ای را باز می‌نماید که در دوران خاکسپاری خلق برای بهبود هرچه بیشتر این بخش در ویتنام بکار رفته است.

سی و پنج سال پیش، هنگامیکه پس از پیروزی «انقلاب اوت» (۱۹ اوت ۱۹۴۵) برای ۲۸ مرداد (۱۳۲۴)، «جمهوری خلق ویتنام» پایه‌گذاری شد، دولت، مانند خیلی کشورهای دیگر، بازسازی بهداشتی را در واقع از سفر شروع کرد. پس از ۸۰ سال استعمار فرانسه، تنها ۵۱ پزشک و ۱۵۲ پزشکیار در این کشور وجود داشت. تنها در سال ۱۳۲۴، در حدود دویسیون ویتنامی برای آبله، وبا و دیگر بیماری‌های واگیر چنان سیر شدند، در سالیان مبارزه مقاومت آمیز علیه کوشش دوباره سیادت‌طلبان استعمارگر، نظام جدید بهداشتی و پزشکی شالوده ریخته شد. در مناطق آزاد شده، تجهیزات پزشکی برای همگان دایر گردید. یکی از بزرگترین خدمات این موسسات پزشکی، که غالباً در جنگ‌ها و غارهای پنهانی جای داشتند، جلوگیری از بروز بیماری‌های واگیر بود.

در سالیان بازسازی صلح آمیز (۱۳۴۹-۱۳۳۹)، بهداشتی و بهداشتی ویتنام به پیروزی‌های چشمگیری دست یافت. در این دهسال شماره پزشکان در «جمهوری دموکراتیک ویتنام» ۱۵ برابر شد. از سوی دیگر تهاجمات و حشایشانه جنگنده‌های آمریکایی خسارات فراوانی بپار آورد.

آزادی جنوب در سال ۱۳۵۴، ویتنام را با مسائل جدیدی روبرو ساخت. در سرزمینی که بیش از آن زیر سلطه رژیم سایگون بود، در حدود ۱۰ میلیون نفر در مناطق مالاریاخیز می‌زیستند. قرون بر این، تنها در سایگون ۱۵۰ هزار نفر معاد بودند.

اکنون ۵ سال پس از آزادی جنوب، در این قسمت از «جمهوری سوسیالیستی ویتنام» ۵۸۰۰ پایگاه پزشکی، ۴۷۴ بیمارستان و پلی-کلینیک و ۲۰ انستیتو و آموزشگاه پزشکی تاسیس یافته است. علاوه بر شمال، که سابقاًست در آن از مالاریا خبری نیست، شماره مالاریا در این جنوب به یک سوم بیکره پنج سال پیش تقلیل یافته است. شماره مسلولین در شمال ۵۰۰ هزار و در جنوب ۲۰۰ هزار است. انتظار عمر در ویتنام به ۵۹ سال افزایش یافته است.

هفت‌های مسابقه میان «گروه‌های کار سوسیالیستی» آنست که آمار موفقیت‌های جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سالیان آینده از این نیز چشمگیرتر گردد.

چهره تجاوزه کار امپریالیسم امریکا در السالوادور آشکارتر میشود

نبردهای شدید میان مبین‌دوستان السالوادور و نظامیان مزدور حاکم بر کشور همچنان ادامه دارد. مبارزان سدهاتن از مزدوران ارتشی راپهلاکت رسانده و صدها سرباز و افسر نیز به صفوف خلق پیوسته‌اند. درگیریها در حالی ادامه دارد که امریکا سیل کمک‌های نظامی را بسوی دست‌نشانده‌گان خود در السالوادور سرازیر کرده‌است و هلی‌کوپتر، تانک، نفرین و دیگر سلاح‌های مدرن در اختیار رژیم السالوادور قرار می‌دهد.

از سوی دیگر ده‌ها کارشناس نظامی آمریکائی نیز وارد السالوادور شده‌اند، تا جانیات رژیم علیه خلق را رهبری کنند.

از جمله این جانیات، استفاده از بمب ناپالم و سلاح‌های شیمیائی علیه مردم نواحی آزاد شده است. سلاح‌های شیمیائی ظاهراً در روزهای اخیر از سوی امریکا برای رژیم السالوادور ارسال شده است. در این حال گزارش می‌رسد که تفنگداران دریائی امریکا در پورتوریکو، برای عملیات مداخله در السالوادور تمرین می‌کنند.

برای حفظ حقوق اتحادیه‌ها

فدراسیون عمومی کار فرانسه، دعوت به اعتصاب عمومی کرد



فدراسیون عمومی کار فرانسه خواستار مبارزات اعتصابی گسترده در دفاع از حقوق اتحادیه‌ها شد.

«ژان کلود لاروس» دبیر کنفدراسیون، به خبرنگاران گفت: «اتحادیه درخواست میکند که مقامها به تقیب فعالان کنفدراسیون، که ایجاب تجدیدآمیزی گرفته است، پایان دهند».

وی افزود:

«در آینده نزدیک صنایع مختلف، حمل و نقل عمومی و خدمات، یک رشته اعتصابات گسترده در حمایت از این قضا، که دستمزدها باید با میزان تورم در کشور انطباق یابد، برگزار خواهند کرد».

میزان تورم در کشور فرانسه، اکنون ۱۴ درصد است.

جانیات تازه صهیونیست‌های اسرائیل

خبرگزاری فلسطینی وفاء، بگین نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس را به تهیه مقدمات قتل «حماد ابوریجه»، یکی از پیشوایان قبیله اعراب بدوی عضو پارلمان اسرائیل، متهم ساخت.

این فرده دو شب گذشته در بیت‌المقدس، به ضرب گلوله کشته شد. وی نماینده اقلیت عرب ساکن اسرائیل و از اعراب بدوی ساکن «القطیف» بود که به‌مسارده زمینهای این‌اهالی برای ساختن تاسیسات نظامی اعتراض کرد.

چین و پاکستان تحریکات علیه‌هند را ادامه می‌دهند

در همین ارتباط است که دو هواپیمای نیروی هوایی چین، بار دیگر به حریم هوایی هند در ایالت جامو و کشمیر تجاوز کردند. این دومین بار در سال جدید است که هواپیمای چین در ضیاءالحق برای خرابکاری و جاسوسی، مزدوران خود را به هند می‌فرستد، مأموریت‌های چین نیز تحریکات مسلحانه خود را علیه این کشور ادامه می‌دهند.

مانور نظامی امریکا و کره جنوبی، خطری برای صلح منطقه

طرف دو هفته آینده، مانورهای مشترک امریکا و ارتش رژیم دست‌نشانده کره جنوبی در خاک این کشور برگزار می‌شود. در این مانورها، تفنگداران دریائی، نیروی هوائی و ناوهای جنگی امریکا شرکت دارند.

امپریالیسم امریکا بعد از شکست مقتضخانه در هندوچین، اینک بار دیگر، میخواهد با نمایش قدرت نظامی در منطقه، از موضع قدرت سخن گوید. لازم به تذکر است که هم‌اکنون حدود ۴۰ هزار سرباز امریکایی خاک کره جنوبی را در اشغال دارند.

روزنامه «گرانما» چاپ کوبا نوشت: پایگاه‌های نظامی امریکا در عربستان سعودی، در درجه اول علیه ایران خواهد بود

واشنگتن تلاش دارد یک پیمان نظامی میان رژیم‌های ارتجاعی امریکای جنوبی و نژادپرستان آفریقایی جنوبی ایجاد کند.

روزنامه «گرانما» چاپ هاروانا، طی مقاله‌ای، شبکه وسیع پایگاه‌های نظامی امریکا در خارج از کشور را به‌شاخک‌های «اختاپوس» تشبیه کرده و نوشته است:

«امریکا با بزرگ‌تر کردن و تجهیز هرچه بیشتر پایگاه‌های نظامی خود با سلاح‌های نیرومند تهاجمی، تهدیدی جدی برای آرمان صلح و تسنح‌زدائی و علیه جنبش‌رهائی‌بخش و استقلال خلقها بوجود آورده است. امریکا تلاش می‌کند، که کشورهای سوسیالیستی را مورد شانتاز قرار دهد».

«گرانما» می‌افزاید:
«واشنگتن وقیحانه اکتفا می‌کند که نیم‌میلیون نظامی این کشور در ۱۱۴ کشور، برای حفظ «امنیت ملی» و «منافع حیاتی» امریکا مستقر هستند. زیردرباری‌های اتمی، ناوهای هواپیمابر، موشک‌های هسته‌ای و بمب‌افکن‌های حامل بمب اتمی در ۳۰۰ پایگاه امریکایی در خارج، تحت این قبیل شتاویزهای بی‌وج، گسیل می‌شوند».

«گرانما» در جای‌دیگر، با اشاره به حضور نظامی روبه‌افزایش امریکا در جهان، می‌نویسد:
«امپریالیسم امریکا حضور نظامی خود را در انفرجار آمیزترین مناطق جهان افزایش داده و می‌دهد. یعنی مثال، در حال حاضر، پنتاگون، طرح ساختن پایگاه‌های نظامی در عربستان سعودی را، که در درجه اول علیه ایران خواهد بود، مورد توجه قرار میدهد. امریکا پایگاه‌های خود را، در گواتمالا و هندوراس نیز تقویت میکند. امپریالیسم امریکا با استفاده از شانتاز و تحریک، قصد دارد که نفوذ خود را در کشورهای آفریقایی مرکزی و حوزه دریای کارائیب، که واشنگتن آنها را قبول خود می‌داند، نیز افزایش دهد. واشنگتن کماکان به تلاش برای سرهم‌بندی کردن یک پیمان نظامی میان ارتجاعی‌ترین رژیم‌های امریکای جنوبی و رژیم نژادپرست آفریقایی جنوبی، اتناعه می‌دهد».

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM

No. 422
18 January 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران